

The Impact of Earnings Management and Sustainability Performance on Corporate Tax Avoidance: The Moderating Role of Financial Leverage

Mahdi Kazemiloum

Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Economic and Social Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

m.kazemiloum@basu.ac.ir

Mohsen Khotanlou*

Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economic and Social Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Corresponding Author)

mkhotanlou@basu.ac.ir

Matin Raoufi

Msc of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Economic and Social Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

m.raoufi.ac@gmail.com

Abstract:

Taxation is one of the most significant sources of government financing, playing a crucial role in funding public budgets and achieving economic, social, and sustainable development goals. In Iran, despite efforts to reduce reliance on oil revenues, the share of tax revenues in the country's total financial resources remains below the desired level. Consequently, identifying the factors influencing corporate tax behavior is of great importance. This study aims to investigate the impact of earnings management and Sustainability performance on tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange, as well as the moderating role of financial leverage in these relationships. Data from 92 companies listed on the Tehran Stock Exchange were collected over the period from 2013 to 2024, and the research hypotheses were tested using panel data and multiple regression analysis. The results indicate that earnings management, both accrual-based and real, has a positive and significant effect on tax avoidance. Conversely, improved performance in environmental, social, and governance areas is associated with a reduction in tax avoidance. Additionally, financial leverage plays a significant moderating role in these relationships, weakening the direct effect of earnings management on tax avoidance while strengthening the mitigating effect of environmental, social, and governance performance. The findings suggest that although companies use earnings management as a tool to reduce their tax burden, strong performance in ESG areas and a capital structure reliant on debt can reduce the intensity of tax avoidance behaviors.

Keywords: Tax Avoidance, Financial Leverage, Earnings Management, Sustainability Performance.

Copyrights



This license only allowing others to download your works and share them with others as long as they credit you, but they can't change them in any way or use them commercial.

تأثیر مدیریت سود و عملکرد پایداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها: نقش

تعدیلی اهرم مالی

مهدی کاظمی علوم^۱ محسن ختن‌لو*^۲ متین رئوفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

چکیده

مالیات یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت‌ها محسوب می‌شود و نقش بسزایی در تأمین بودجه عمومی و تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و توسعه پایدار ایفا می‌کند. در ایران، علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در راستای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، سهم درآمدهای مالیاتی از کل منابع مالی کشور همچنان کمتر از سطح مطلوب است. از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس هدف این پژوهش بررسی تأثیر مدیریت سود و عملکرد پایداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و نقش تعدیل‌کننده اهرم مالی در این روابط است. در پژوهش حاضر داده‌های ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ جمع‌آوری شد و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از داده‌های ترکیبی و به‌کارگیری رگرسیون چندگانه مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که مدیریت سود، اعم از تعهدی و واقعی، اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. در مقابل، بهبود عملکرد در زمینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با کاهش سطح اجتناب مالیاتی همراه است. همچنین، اهرم مالی نقش معناداری در تعدیل این روابط ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اثر مستقیم مدیریت سود را بر اجتناب مالیاتی تضعیف و اثر کاهنده ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را تقویت می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه شرکت‌ها از مدیریت سود به‌عنوان ابزاری برای کاهش بار مالیاتی بهره می‌برند، اما عملکرد قوی در حوزه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و برخورداری از ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی می‌تواند از شدت رفتارهای اجتناب مالیاتی بکاهد.

کلیدواژه‌ها: اجتناب مالیاتی، اهرم مالی، مدیریت سود، عملکرد پایداری

^۱ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. m.kazemiolum@basu.ac.ir

^۲ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول) mkhotanlou@basu.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. m.raoufi.ac@gmail.com

۱- مقدمه

پرداخت مالیات اگرچه یک الزام قانونی برای واحدهای اقتصادی محسوب می‌شود، اما به دلیل آثار نامطلوب آن بر جریان‌های نقدی، واحدهای تجاری ممکن است انگیزه یابند تا با استفاده از راهبردهای مختلف، اعم از قانونی یا غیرقانونی، تعهدات مالیاتی خود را کاهش دهند (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۴). اجتناب مالیاتی، هرچند از طریق ابزارهای قانونی انجام می‌شود، از منظر اخلاقی رفتاری ناپسند تلقی می‌گردد؛ زیرا منجر به محروم‌سازی دولت از منابع مالی ناشی از مالیات منصفانه شده و اصول عدالت اجتماعی را تضعیف می‌کند. این رفتار نه تنها اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌سازد، بلکه می‌تواند بی‌اعتمادی سهامداران را به دنبال داشته و به ارزش بلندمدت شرکت آسیب برساند (ماروات و همکاران، ۲۰۲۱). عوامل متعددی بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارند. یکی از این عوامل، مدیریت سود است که شرکت‌ها می‌توانند از آن برای کاهش تعهدات مالیاتی بهره‌گیرند. تفاوت در منافع بین مدیران و سهامداران، یکی از محرک‌های اصلی مدیریت سود است که مدیران را به دستکاری درآمدها برای دستیابی به سطح دلخواه سود خالص سوق می‌دهد (پاروین و همکاران، ۲۰۲۰). فالبو و فیرومانسیاه (۲۰۲۱) دریافتند که مدیریت سود تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد؛ زیرا مدیران اغلب با انگیزه‌های مالیاتی و به دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی، به مدیریت سود روی می‌آورند. به این ترتیب، مدیریت سود با هدف کاهش بار مالیاتی از طریق دستکاری اقلام صورت‌های مالی، به شرکت‌ها امکان می‌دهد نقدینگی بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌های آتی و سایر فعالیت‌های اقتصادی فراهم کنند (اووسو و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی^۱ چارچوبی برای سنجش تعهدات شرکت‌ها در زمینه‌های مرتبط فراهم می‌کند و نقش مهمی در شکل‌دهی رفتارهای مالی و اخلاقی آنها ایفا می‌نماید. این چارچوب با تأکید بر شفافیت و مسئولیت‌پذیری، شرکت‌ها را به کاهش رفتارهای غیرمسئولانه، نظیر اجتناب مالیاتی، تشویق می‌کند. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که شرکت‌هایی با عملکرد قوی‌تر در حوزه پایداری، به دلیل پایبندی به اصول اخلاقی و اجتماعی، کمتر به اجتناب مالیاتی تمایل دارند؛ زیرا چنین اقداماتی می‌تواند به اعتبار و شهرت آنها آسیب برساند (یون و همکاران، ۲۰۲۱).

اهرم مالی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری‌های مالی، نقش مهمی در این روابط ایفا می‌کند. از یک سو، هزینه‌های بهره به‌عنوان ابزاری برای کاهش بار مالیاتی عمل می‌کند و از سوی دیگر، فشارهای مالی ناشی از بدهی بالا می‌تواند شرکت‌ها را به استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود و اجتناب مالیاتی ترغیب نماید (حسین و همکاران، ۲۰۲۴). علاوه بر این، عملکرد قوی پایداری می‌تواند با افزایش شفافیت اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعات، دستکاری اهرم

^۱ ESG

مالی را محدود کند. شرکت‌هایی با عملکرد برتر در حوزه پایداری، به دلیل وجود سازوکارهای نظارتی مؤثر داخلی و فشارهای بیرونی، تمایل کمتری به رفتارهای فرصت‌طلبانه و دستکاری اهرم نشان می‌دهند؛ زیرا این اقدامات می‌تواند به اعتبار و مشروعیت سازمانی آنها آسیب برساند (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۴).

در سال‌های اخیر در ایران، به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی، بهینه‌سازی نظام مالیاتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی برای تقویت ثبات اقتصادی و پایداری مالی کشور از اهمیت بسزایی برخوردار شده است. علی‌رغم تلاش‌های انجام‌شده برای تعدیل وابستگی به منابع نفتی و افزایش نقش درآمدهای مالیاتی در تأمین بودجه عمومی کشور، همچنان نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی^۱ در ایران به‌طور محسوسی پایین‌تر از استانداردهای جهانی است (مهرگان و همکاران، ۱۴۰۱). این فاصله قابل تأمل را می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد که از میان آنها، می‌توان به نقش اجتناب مالیاتی اشاره کرد. در این شرایط، درک عوامل مؤثر بر رفتار شرکت‌ها در زمینه اجتناب مالیاتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش با بررسی تأثیر مدیریت سود و عملکرد پایداری بر اجتناب مالیاتی و نقش تعدیل‌کننده اهرم مالی، به دنبال درک عمیق‌تری از عوامل شکل‌دهنده رفتارهای مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بررسی این روابط در بازار سرمایه ایران از چند جهت دارای اهمیت است. نخست، ساختار نظام مالیاتی و محیط نهادی ایران با کشورهای توسعه یافته متفاوت است. علاوه بر این، تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی میان ایران و سایر کشورها، به‌ویژه در نگرش به مسئولیت‌های اجتماعی و تعهدات مالیاتی، می‌تواند بر رفتار شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. این تفاوت‌های نهادی و فرهنگی می‌تواند منجر به الگوهای متفاوتی از روابط بین متغیرهای مورد مطالعه شود. همچنین، شرایط خاص اقتصادی کشور و محدودیت‌های تأمین مالی می‌تواند بر تصمیمات مالی و رفتارهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد. بررسی این روابط در چنین بافت متمایزی می‌تواند به درک بهتر نقش عوامل نهادی و فرهنگی در شکل‌گیری رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها کمک کند.

نوآوری این مطالعه در دو بعد قابل توجه است: نخست، در حوزه ادبیات پایداری مرور مطالعات داخلی موجود نشان می‌دهد پژوهش‌های انجام یافته بیشتر به بررسی یکی از ابعاد پایداری شرکتی در رابطه با اجتناب مالیاتی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً به صورت پراکنده و با تمرکز بر جنبه‌های خاصی انجام شده‌اند و از رویکرد جامع مبتنی بر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به‌صورت هم‌زمان غفلت شده است مانند عملکرد زیست محیطی (آقایی و همکاران، ۱۳۹۹) و عملکرد اجتماعی (بارانی بره بی‌چاست و براتی، ۱۴۰۲؛ حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۸) در حالیکه پژوهش

¹ Tax-to-GDP Ratio

حاضر هر سه بعد عملکرد پایداری را مدنظر قرار داده است. و دوم، بررسی نقش تعدیل‌گری اهرم مالی در این روابط که در ادبیات موجود کمتر به آن توجه شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد بینش تازه‌ای نسبت به سازوکارهای رفتار مالیاتی شرکت‌ها و اثرات پایداری شرکتی بر آن فراهم آورد و به تدوین سیاست‌های مؤثر مالی و راهبری شرکتی کمک نماید. از دیدگاه مدیریتی، این پژوهش می‌تواند راهنمای مفیدی برای مدیران در تصمیم‌گیری‌های مالی و عملیاتی باشد؛ زیرا آنها باید بین منافع کوتاه‌مدت ناشی از اجتناب مالیاتی و پیامدهای بلندمدت آن بر اعتبار و مشروعیت شرکت تعادل برقرار کنند (المر و همکاران، ۲۰۲۴). برای سرمایه‌گذاران نیز، یافته‌های این پژوهش در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری مفید خواهد بود؛ زیرا عملکرد فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت‌ها و رفتارهای مالیاتی آنها به عنوان شاخص‌های کلیدی در ارزیابی شفافیت و مسئولیت‌پذیری شرکتی در نظر گرفته می‌شود (سوگیر و همکاران، ۲۰۲۴). ساختار ادامه پژوهش شامل مروری بر پیشینه نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش پژوهش، یافته‌ها و بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اجتناب مالیاتی به اقدامات قانونی شرکت‌ها برای کاهش تعهدات مالیاتی، بدون نقض قوانین اشاره دارد (اوتس و تاک، ۲۰۱۹). مالیات هزینه‌ای قابل توجه برای شرکت‌هاست که خروج جریان نقدی را به دنبال دارد (اووسو و همکاران، ۲۰۲۳). این امر انگیزه‌ای برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند تا بار مالیاتی خود را از طریق شیوه‌های مختلف از جمله اجتناب مالیاتی کاهش دهند (سانچز-بالستا و یاگوی، ۲۰۲۱).

بر اساس نظریه نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶)، تضاد منافع مدیران و سهامداران می‌تواند به رفتارهای فرصت‌طلبانه منجر شود. مدیران ممکن است برای منافع شخصی، به اجتناب مالیاتی روی آورند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). اگرچه اجتناب مالیاتی می‌تواند جریان نقدی و ارزش شرکت را افزایش دهد، اما ممکن است منابع را به نفع مدیران منحرف کند. عملکرد قوی ESG با افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، این رفتارها را محدود می‌کند (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۴). نظریه دینفعان (فریمن، ۱۹۸۴) تأکید دارد که موفقیت شرکت به توجه به منافع دینفعان بستگی دارد. پرداخت مالیات یکی از تعهدات اساسی شرکت‌ها نسبت به دولت و جامعه به شمار می‌آید. عملکرد قوی در زمینه‌های مرتبط با ابعاد پایداری، با تأکید بر شفافیت و مسئولیت‌پذیری، نشان‌دهنده تعهد شرکت به منافع دینفعان است. چنین عملکردی می‌تواند رفتارهایی مانند اجتناب مالیاتی را که در تضاد با اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی است، کاهش داده و به بهبود اعتبار شرکت در میان دینفعان کمک کند. طبق نظریه مشروعیت شرکت‌ها برای بقای خود به دنبال مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌هایشان در جامعه هستند (داولینگ و ففر، ۱۹۷۵). بر این اساس، اجتناب مالیاتی

ممکن است مشروعیت شرکت را به خطر اندازد، زیرا می‌تواند از سوی جامعه به عنوان اقدامی غیرمسئولانه تلقی شود (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۵).

مدیریت سود پدیده‌ای پیچیده است که می‌تواند اثرات مثبت و منفی داشته باشد (بوی، ۲۰۲۴). برخی آن را فرصت‌طلبانه و مخل اعتماد سرمایه‌گذاران می‌دانند (هیلی و وایلن، ۱۹۹۹)، در حالی که برخی دیگر بر جنبه‌های مثبت آن، مانند انتقال اطلاعات خصوصی به بازار و کاهش هزینه‌های نمایندگی، تأکید می‌کنند (جیراپورن و همکاران، ۲۰۰۸). لجیفری و الرزاز (۲۰۲۴) نشان دادند که مدیریت سود با افزایش پایداری سود، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت کند. مدیریت سود معمولاً از تمایل به تأثیرگذاری بر انتقال ثروت میان ذینفعان مختلف ناشی می‌شود. این رفتار تحت تأثیر انگیزه‌هایی همچون کاهش هزینه‌های سیاسی (نظیر مالیات، که منجر به انتقال ثروت از جامعه به سهامداران می‌شود)، کاهش هزینه سرمایه و بهبود دسترسی به منابع مالی (که به انتقال ثروت از تأمین‌کنندگان منابع مالی به سهامداران می‌انجامد) و حداکثرسازی منافع مدیران (که موجب انتقال ثروت از سهامداران به مدیران می‌گردد) قرار دارد (استولوی و برتون، ۲۰۰۴). دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که در دیدگاه سنتی، اجتناب مالیاتی صرفاً به عنوان انتقال منابع از دولت به سهامداران در نظر گرفته می‌شود. با این حال، آنها استدلال می‌کنند که اجتناب مالیاتی همواره در راستای منافع سهامداران نیست، زیرا مدیران از پیچیدگی‌های آن برای منافع شخصی بهره می‌برند. این رفتار فرصت‌طلبانه اغلب با مدیریت سود همراه است. مدیریت سود با دستکاری اقلام حسابداری، درآمد مشمول مالیات را کاهش داده و به اجتناب مالیاتی کمک می‌کند.

در چند دهه اخیر، توجه سرمایه‌گذاران به مسائل پایداری روبه افزایش بوده است. عملکرد پایداری معیاری کلیدی برای سنجش تعهد شرکت‌ها به پایداری و خلق ارزش بلندمدت است و سرمایه‌گذاران تمایل دارند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که فعالیت‌های پایداری خود را شفاف گزارش می‌دهند. چارچوب پایداری بر سه بُعد اصلی استوار است. بُعد زیست‌محیطی که به تعامل سازمان با منابع طبیعی و محیط زیست می‌پردازد، از جمله میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، مصرف انرژی یا نحوه مدیریت پسماند؛ بُعد اجتماعی که به مسئولیت‌پذیری سازمان در قبال نیروی کار، جامعه و ذینفعان می‌پردازد، مانند رعایت حقوق بشر، سلامت و ایمنی کارکنان؛ و بُعد حاکمیت شرکتی که به ساختار سازمانی، شفافیت و افشای اطلاعات، پاسخ‌گویی مدیران و اثربخشی فرآیندهای تصمیم‌گیری درون‌سازمانی اشاره دارد (لی و همکاران، ۲۰۲۱).

هرکدام از ابعاد تأثیرات خاصی بر رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها، از جمله اجتناب مالیاتی، دارند. در حوزه زیست‌محیطی، شرکت‌هایی با عملکرد مطلوب پایداری محیط‌زیست، تمایل کمتری به اجتناب مالیاتی دارند، زیرا این رفتارها با تصویر مسئولانه‌شان در تعارض است (سوگیر و همکاران، ۲۰۲۴). از دیدگاه نظریه مشروعیت و ریسک‌گریزی، شرکت‌ها برای کسب پذیرش اجتماعی و

پرهیز از تبعات منفی، از اقدامات مالیاتی تهاجمی خودداری می‌کنند. افشای اطلاعات زیست‌محیطی با ارائه اطلاعات شفاف‌تر، دسترسی به منابع مالی ارزان‌تر را فراهم و انگیزه اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. همچنین، این افشا با ارائه اطلاعات اضافی که امکان بررسی دقیق‌تر گزارش‌های مالی شرکت‌ها را توسط مقامات مالیاتی فراهم می‌کند، احتمال کشف اجتناب مالیاتی را افزایش داده و شرکت‌ها را از این رفتار باز می‌دارد (گو و وانگ، ۲۰۲۳). با این حال، مطالعاتی مانند گو و وانگ (۲۰۲۳)، سوگویر و همکاران (۲۰۲۴) و ساسترورجو و همکاران (۲۰۲۵) رابطه مثبت بین این مولفه و اجتناب مالیاتی نشان داده‌اند که با نظریه جریان نقدی و هزینه‌های بالای فعالیت‌های پایدار توجیه می‌شود. شرکت‌هایی که در فعالیت‌های زیست‌محیطی مشارکت می‌کنند، با هزینه‌های قابل‌توجه برای فناوری‌های پایدار مواجه می‌شوند. برای جبران این فشارهای مالی، آنها ممکن است به استراتژی‌های اجتناب مالیاتی روی آورند (ساسترورجو و همکاران، ۲۰۲۵). برخی شرکت‌ها با اقدامات نمادین زیست‌محیطی و تعهد ظاهری به پایداری، تصویری مثبت ایجاد می‌کنند. این راهبرد که تحت عنوان سبزشویی شناخته می‌شود، ممکن است برای پنهان‌سازی رفتارهای فرصت‌طلبانه، نظیر اجتناب مالیاتی، مورد استفاده قرار گیرد (سوگویر و همکاران، ۲۰۲۴).

به طور مشابه در حوزه اجتماعی، شرکت‌هایی با عملکرد برتر، به دلیل تضاد اجتناب مالیاتی با فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، احتیاط بیشتری در این رفتار نشان می‌دهند (لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۵). هوی و همکاران (۲۰۱۳) استدلال کردند که اجتناب مالیاتی رفتاری غیرمسئولانه و غیراخلاقی است که به منافع جامعه آسیب می‌رساند، هرچند پرداخت مالیات کمتر به عنوان فعالیت کلیدی مسئولیت اجتماعی دیده نمی‌شود. شواهد تجربی نیز این رابطه منفی را تأیید می‌کنند. لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۵) دریافتند که شرکت‌های با عملکرد برجسته در حوزه مسئولیت اجتماعی، تمایل کمتری به اجتناب مالیاتی دارند. هوی و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان دادند شرکت‌هایی با فعالیت‌های اجتماعی غیرمسئولانه، رفتار تهاجمی‌تری در زمینه اجتناب مالیاتی دارند. پارک (۲۰۱۷) نشان داد مؤلفه‌های خدمات اجتماعی با کاهش اجتناب مالیاتی مرتبط هستند. اورتاس و گالیگو-آلوارز (۲۰۲۰) و لاگویر و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان دادند تعهد به مسئولیت اجتماعی با کاهش مشارکت در رفتارهای تهاجمی مالیاتی همراه است. در مطالعات داخلی، قادرزاده و علوی (۱۴۰۰)، رضائی پیتة نوئی و همکاران (۱۴۰۰) و عزیزی و جوکار (۱۴۰۰) نشان دادند که افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود.

در حالی که دیدگاه غالب رابطه منفی میان عملکرد اجتماعی و اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد، برخی مطالعات بیان می‌کنند شرکت‌ها ممکن است از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی برای

مشروعیت بخشی به رفتارهای مالیاتی بحث برانگیز استفاده کنند. سیکا (۲۰۱۳) به پدیده‌ای تحت عنوان رباکاری سازمان یافته اشاره نمود، که طی آن برخی شرکت‌ها در حالی خود را حامی ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و زیست محیطی معرفی می‌کنند، از پرداخت قانونی مالیات اجتناب می‌ورزند. این رفتار در چارچوب نظریه مشروعیت قابل تبیین است. مائو (۲۰۱۹) استدلال نمود که اگر شرکت‌ها مسئولیت پذیری اجتماعی را بخشی از استراتژی مدیریت ریسک ببینند، احتمال اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد. دلیل این امر پیامدهای منفی اجتناب مالیاتی مانند آسیب به شهرت، فشارهای رسانه‌ای، جریمه‌ها و تحریم مشتریان است. در چنین شرایطی، عملکرد مناسب در زمینه مسئولیت پذیری اجتماعی می‌تواند با افزایش اعتبار و شهرت شرکت، ظرفیت آن را برای مقابله با تبعات منفی سیاسی، نظارتی و اجتماعی ارتقا دهد. نتایج تجربی گلزار و همکاران (۲۰۱۸)، مائو (۲۰۱۹) و زنگ (۲۰۱۹) نشان داد شرکت‌های با مسئولیت پذیری اجتماعی بالاتر، نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تری دارند. عبید و دماک (۲۰۲۲) نیز دریافتند شرکت‌های با نمرات بالای مسئولیت اجتماعی، بیشتر اجتناب مالیاتی داشته و از آن برای پنهان سازی اقدامات مالیاتی استفاده می‌کنند.

بعد حاکمیت شرکتی از طریق ارتقای کنترل‌های داخلی، شفافیت مالی و سازوکارهای پاسخ‌گویی، رفتارهای پرریسک مانند اجتناب مالیاتی را محدود می‌کند و با نظارت مؤثر و سازوکارهای کنترل مدیریتی، مانع از انحراف منابع توسط مدیران شده و زمینه‌ای فراهم می‌آورد که در آن، استراتژی‌های اجتناب مالیاتی در راستای افزایش ارزش شرکت هدایت شوند (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ لی، ۲۰۲۴). شرکت‌هایی با ساختار حاکمیتی قوی‌تر معمولاً رفتارهای مالیاتی مسئولانه‌تری دارند، زیرا نظارت مؤثر از رفتارهای فرصت طلبانه جلوگیری می‌کند. کوورمن و ولته (۲۰۱۹) بیان کردند که حاکمیت شرکتی از طریق دو بعد داخلی و خارجی می‌تواند بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثرگذار باشد. در بعد داخلی، همسویی انگیزه و منافع بین مدیریت و سهامداران که از طریق پاداش‌های مبتنی بر عملکرد وابسته به سود بعد از کسر مالیات، ایجاد می‌شود. در بعد خارجی، عواملی نظیر جدایی مالکیت از مدیریت، میزان تمرکز مالکیت و نوع مالکان (از جمله مالکان نهادی، خانوادگی یا دولتی)، نقش تعیین کننده‌ای در شکل گیری رفتارهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ایفا می‌کنند. قرنچیک و گرکز (۱۳۹۷) استدلال نمودند که حاکمیت شرکتی کارآمد می‌تواند با بهبود شفافیت مالی و افزایش میزان التزام به پرداخت مالیات، اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. این مطالعه، با تاکید بر نقش نظارتی اعضای مستقل هیئت مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی، نشان داد که نظارت مؤثر می‌تواند رفتارهای اجتناب مالیاتی را محدود کند. پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، نشان داد که بین ساختار حاکمیت شرکتی (به ویژه درصد مالکیت دولتی و مالکیت مدیریتی) و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

بررسی‌های تجربی نشان داده‌اند که عملکرد پایداری می‌تواند از طریق سه سازوکار اصلی رفتارهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را کاهش دهد: (۱) کاهش محدودیت‌های تأمین مالی، (۲) بهبود کیفیت کنترل داخلی و (۳) تقویت نظارت بیرونی (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۴). عملکرد مطلوب پایداری با افزایش شفافیت، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و اعتماد سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی را جلب می‌کند. این امر دسترسی به منابع مالی را بهبود بخشیده و انگیزه اجتناب مالیاتی را کم می‌کند. دوم، عملکرد مطلوب در حوزه پایداری، به‌ویژه در بخش حاکمیت شرکتی، با ارتقای شفافیت اطلاعاتی و بهینه‌سازی فرآیندهای گزارش‌دهی، کیفیت کنترل‌های داخلی شرکت را تقویت می‌کند. این امر رفتارهای فرصت‌طلبانه را محدود و محیطی مسئولانه و شفاف در راستای کاهش اجتناب مالیاتی فراهم می‌آورد. سوم، عملکرد قوی پایداری سبب افزایش توجه تحلیلگران مالی به شرکت می‌شود. این پوشش تحلیلی گسترده باعث ارتقاء نظارت بیرونی، افزایش آگاهی عمومی نسبت به رفتارهای مالیاتی شرکت و در نتیجه، افزایش هزینه‌های شهرت ناشی از اجتناب مالیاتی می‌شود. با این حال، آمارنا و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که برخی شرکت‌ها از پایداری به‌عنوان پوششی برای توجیه رفتارهای مالیاتی تهاجمی خود استفاده می‌کنند؛ که ممکن است برای توجیه رفتارهای فرصت‌طلبانه مالیاتی به‌کار رفته و با استراتژی‌های اجتناب مالیاتی همراه باشد.

اهرم مالی به استفاده از بدهی در ساختار سرمایه شرکت اطلاق می‌شود که از طریق امکان کسر هزینه‌های بهره از درآمد مشمول مالیات، منجر به ایجاد سپر مالیاتی^۱ و در نتیجه کاهش بار مالیاتی شرکت می‌گردد (مودیلیانی و میلر، ۱۹۶۳). انتظار می‌رود اهرم بالاتر از یک سو با ایجاد سپر مالیاتی و از سوی دیگر با بهبود جریانهای نقدی، انگیزه شرکت برای اجتناب مالیاتی را کاهش دهد. با این حال، نتایج پژوهش‌های هندایانا و همکاران (۲۰۲۴) و حسین و همکاران (۲۰۲۴) رابطه مثبت و معناداری از تأثیر اهرم بر اجتناب مالیاتی گزارش نمودند که نشان می‌دهد اهرم مالی، می‌تواند محرکی برای افزایش سطح اجتناب مالیاتی باشد. همچنین پژوهش‌های مختلفی از جمله دنگ و همکاران (۲۰۲۰) و فالكندر و اسمیت (۲۰۱۶) نشان دادند که افزایش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها، منجر به افزایش تمایل آنها به استفاده از بدهی و در نتیجه افزایش اهرم مالی می‌شود. این یافته‌ها حاکی از آن است که شرکت‌ها در مواجهه با فشارهای مالیاتی، از ساختار بدهی خود به‌عنوان ابزاری کارآمد برای کاهش بار مالیاتی بهره می‌برند؛ به‌گونه‌ای که بدهی می‌تواند جایگزین یا مکمل روش‌های اجتناب مالیاتی باشد.

¹ Tax Shield

طبق نظریه توازن^۱، شرکت‌ها بین منافع حاصل از صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از بدهی و هزینه‌های بالقوه ورشکستگی یا درماندگی مالی، موازنه برقرار می‌کنند (آسیماکوپولوس و همکاران، ۲۰۲۴). بر اساس فرضیه قرارداد بدهی واتس و زیمرمن (۱۹۹۰)، شرکت‌های با نسبت بدهی بالاتر، به دلیل محدودیت‌های ناشی از قراردادهای بدهی، انگیزه بیشتری برای مدیریت سود دارند. این شرکت‌ها با استفاده از رویه‌های حسابداری افزایشده سود، تلاش می‌کنند از نقض تعهدات قراردادی و پیامدهای پرهزینه آن جلوگیری کنند. کارجالاین و همکاران (۲۰۲۳) معتقدند در شرکت‌هایی با سطح بدهی بالا، فشارهای مالی ناشی از تعهدات بدهی می‌تواند مدیران را به استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود برای کاهش هزینه‌های مالیاتی ترغیب نماید.

اگرچه عملکرد مطلوب پایداری می‌تواند منجر به کاهش رفتارهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شود، اما شدت این اثر ممکن است تحت تاثیر سطح اهرم مالی، قرار گیرد. عملکرد قوی در حوزه پایداری با کاهش هزینه‌های تأمین مالی و بهبود دسترسی به منابع مالی همراه است (آسیماکوپولوس و همکاران، ۲۰۲۴). در نتیجه، انگیزه شرکت‌ها برای اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد، زیرا نیاز آنها به صرفه‌جویی نقدی از این طریق کمتر می‌شود. هر چند از زاویه‌ای دیگر، اهرم بالا می‌تواند با افزایش ریسک نکول^۲ و هزینه تأمین مالی بالاتر، فشارهای نقدینگی را تشدید کرده و انگیزه اجتناب مالیاتی را حتی در شرکت‌های با عملکرد قوی پایداری افزایش دهد (تولکانازا-پریو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژو و همکاران، ۲۰۲۵). با این حال و به طور کلی، عملکرد مطلوب در حوزه پایداری با ارتقای شفافیت، زمینه بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه مانند اجتناب مالیاتی را محدود می‌سازد (شان و ژو، ۲۰۲۴؛ ژو و همکاران، ۲۰۲۵). نظارت ناشی از سطوح بالای اهرم مالی، در صورتی که با پایداری به اصول پایداری همراه باشد، می‌تواند به صورت هم‌افزا عمل کرده و زمینه محدودسازی رفتارهای اجتناب مالیاتی را فراهم آورد.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

مارکز و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند شرکت‌های با میانگین نرخ مالیات بر درآمد بالاتر، انگیزه‌ی بیشتری برای دستکاری سود در جهت کاهش مالیات پرداختی دارند. هوانگ و فونگ (۲۰۱۹) نشان دادند که در شرایط ضعف نظارت بازار سرمایه، شرکت‌ها تمایل بیشتری به استفاده از مدیریت سود تعهدی دارند و اهرم مالی با این نوع مدیریت سود رابطه مثبت و با مدیریت سود واقعی رابطه منفی دارد.

^۱ Trade-off Theory

^۲ Default Risk

یافته‌های سانچز-بالستا و یاگوی (۲۰۲۱) نشان داد، شرکت‌هایی که درگیر مدیریت سود افزایشی هستند، به دلیل تمرکز بر بهبود ظاهری عملکرد مالی، کمتر به برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی روی می‌آورند.

یون و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند که بین عملکرد پایداری و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای منفی وجود دارد که عمدتاً از مؤلفه اجتماعی ناشی می‌شود؛ در حالی که مؤلفه حاکمیت شرکتی برخلاف انتظار، با اجتناب مالیاتی رابطه‌ای مثبت دارد. شرکت‌هایی با عملکرد اجتماعی قوی‌تر، به دلیل نگرانی از آسیب به شهرت اجتماعی خود، کمتر به اجتناب مالیاتی روی می‌آورند، در حالی که حاکمیت شرکتی قوی با کاهش انحرافات مدیریتی و تقویت نظارت، اجتناب مالیاتی را به‌عنوان ابزاری برای افزایش ارزش شرکت ترویج می‌کند.

آوویه و اوبرت (۲۰۲۲) دریافتند که اهرم مالی با مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و با مدیریت سود تعهدی رابطه منفی دارد. به‌طوری که در شرکت‌های با سطح بالای اهرم مالی، تمایل به مدیریت سود واقعی افزایش یافته و استفاده از مدیریت سود تعهدی کاهش می‌یابد. کارجالاین و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که مدیریت سود تحت تأثیر انگیزه‌های مالیاتی قرار دارد و مدیران از اقلام تعهدی برای تعدیل سود استفاده می‌کنند تا یا مالیات را کاهش دهند یا عملکرد مالی را برای سهامداران مطلوب جلوه دهند.

نتایج پژوهش دلگادو و همکاران (۲۰۲۳) حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین اقلام تعهدی اختیاری و نرخ مؤثر مالیاتی بود؛ به‌گونه‌ای که شرکت‌های با مدیریت سود بالاتر، درآمد مشمول مالیات بیشتری گزارش می‌کنند و در نتیجه، سطح پایین‌تری از اجتناب مالیاتی را دارند. هدایت و زوهروه (۲۰۲۳) به نتایجی دست یافتند که نشان داد عملکرد مناسب شرکت در ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نقش مؤثری در کاهش تمایل شرکت‌ها به استفاده از استراتژی‌های اجتناب مالیاتی ایفا می‌کند. زیرا این عملکرد با افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری همراه است. یافته‌های پژوهش لوکوت کاپراس و همکاران (۲۰۲۴) حاکی از وجود یک رابطه‌ی منفی و معنادار آماری بین نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت سود بود که نشان‌دهنده کاهش مدیریت سود با افزایش بار مالیاتی است.

جیانگ و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که عملکرد مطلوب پایداری با کاهش محدودیت‌های مالی و تقویت نظارت، سیاست‌های مالیاتی مسئولانه را ترویج می‌دهد؛ که منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. الشطارات (۲۰۲۴) نشان داد که اهرم مالی با مدیریت سود واقعی رابطه‌ای منفی دارد؛ زیرا افزایش بدهی با کاهش وجه نقد در اختیار مدیریت و تقویت نظارت اعتباردهندگان، رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را محدود کرده و سطح مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

الغریبای و العدوی (۲۰۲۵) نیز با تأیید رابطه منفی بین عملکرد پایداری و اجتناب مالیاتی، نشان دادند که شرکت‌هایی با تعهد به معیارهای پایداری برای پاسخگویی به انتظارات ذی‌نفعان و حفظ مشروعیت، استراتژی‌های مالیاتی اخلاقی‌تری اتخاذ می‌کنند. اما امتیازات بالای بعد حاکمیتی با افزایش اجتناب مالیاتی همراه بود، که نشان‌دهنده تمرکز ساختارهای حاکمیتی بر انطباق قانونی و منافع سهام‌داران به جای ملاحظات اخلاقی است.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

نتایج پژوهش پورحیدری و شفیع‌همت‌آباد (۱۳۹۲) نشان داد که شرکت‌ها در مواجهه با کاهش آتی نرخ مالیات، به‌منظور انتقال هزینه‌های مالیاتی به دوره‌های با نرخ پایین‌تر، به مدیریت سود کاهشی روی می‌آورند. این رفتار از طریق کاهش اقلام تعهدی اختیاری، به‌ویژه در شرکت‌هایی با سطح پایین‌تری از اهرم مالی و نرخ رشد پایین‌تر مشاهده شده است.

بندریان و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که مدیران با استفاده هدفمند از اقلام تعهدی و به‌کارگیری سیاست‌های محافظه‌کارانه حسابداری، سود را به‌گونه‌ای گزارش می‌کنند که شناسایی درآمدهای مشمول مالیات به تأخیر می‌افتد و در نتیجه، بار مالیاتی شرکت کاهش می‌یابد.

ابراهیمی و احمدی‌مقدم (۱۳۹۵) نشان دادند که نرخ مؤثر مالیاتی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و معناداری دارد، که نشان‌دهنده تأثیر بار مالیاتی بر رفتارهای مدیریتی است.

صدیقی (۱۳۹۹) رابطه معکوس بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی را تأیید نمود. ایشان استدلال کردند که مدیریت، با استفاده از مدیریت سود، اختلاف بین مالیات ابرازی با مالیات قطعی را کاهش می‌دهد که منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. به‌ویژه زمانی که مهارت بیشتری در مدیریت سود به کار گرفته شود، تفاوت بین مالیات بر درآمد ابرازی با مالیات قطعی (به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی) کمتر می‌شود که به معنای کاهش اجتناب مالیاتی و رابطه معکوس بین این دو متغیر است.

نتایج پژوهش ستایش و ابراهیمی (۱۴۰۰) رابطه منفی و معناداری بین میزان استفاده از اهرم مالی و اجتناب مالیاتی نشان داد. این یافته بیانگر آن است که بهره‌گیری از اهرم مالی به‌عنوان ابزاری برای کاهش بار مالیاتی می‌تواند جایگزین سایر روش‌های اجتناب مالیاتی شود. شفاعت و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند متغیر مدیریت سود بر افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد. و شخصیت مدیران این رابطه را تعدیل می‌نماید.

۳- فرضیه‌های پژوهش

مالیات یکی از اقلام هزینه‌ای با اهمیت برای شرکت‌هاست. مدیریت سود، به‌عنوان ابزاری در اختیار مدیران، امکان تنظیم نتایج گزارشگری مالی را از طریق تغییرات اختیاری در اقلام تعهدی یا دستکاری فعالیت‌های واقعی شرکت فراهم می‌کند تا درآمد مشمول مالیات کاهش یابد و در نتیجه، بار مالیاتی کمتر شود. بر این اساس، انتظار می‌رود مدیران برای کاهش هزینه‌های مالیاتی و بهبود عملکرد مالی شرکت، از تکنیک‌های مدیریت سود استفاده کنند. شواهد تجربی از جمله پژوهش‌های بندریان و همکاران (۱۳۹۵)، مارکز و همکاران (۲۰۱۱)، پورحیدری و شفیع‌ی همت‌آباد (۱۳۹۲)، لوکوت کاپراس و همکاران (۲۰۲۴) و کارجالاین و همکاران (۲۰۲۳) رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی گزارش کرده‌اند. علی‌رغم این، دلگادو و همکاران (۲۰۲۳)، اشاره به رابطه منفی بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی نمودند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد زمانی که شرکت‌ها به مدیریت سود متوسل می‌شوند، درآمد مشمول مالیات افزایش یافته و در نتیجه نرخ مؤثر مالیات بالاتر و سطح اجتناب مالیاتی کمتر خواهد بود. این یافته‌ها نشان‌دهنده استفاده از مدیریت سود برای دستیابی به اهداف مالیاتی است. بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی، فرضیه اول پژوهش به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: مدیریت سود تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

طبق نظریه‌های مشروعیت و دینفعان، شرکت‌ها برای پاسخ‌گویی به انتظارات گروه‌های مختلف دینفع و حفظ مشروعیت اجتماعی خود، باید در ابعاد مختلف فعالیت‌هایشان، از جمله عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG)، رویکردی مسئولانه و شفاف اتخاذ کنند. این تعهد می‌تواند تمایل به اجتناب مالیاتی را کاهش دهد. همچنین، حاکمیت شرکتی قوی با سازوکارهای کنترلی مؤثر و نظارت مناسب، رفتارهای مالیاتی پرریسک را محدود می‌کند. تعامل این عوامل، تعهد شرکت به مسئولیت‌هایش در قبال دینفعان را نشان می‌دهد و با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش شفافیت، دسترسی به منابع مالی را تسهیل می‌کند. بر این اساس، انتظار می‌رود عملکرد پایداری رابطه منفی با اجتناب مالیاتی داشته باشد. جیانگ و همکاران (۲۰۲۴) بیان می‌دارند عملکرد پایداری (ESG) می‌تواند از شدت اجتناب مالیاتی بکاهد، زیرا باعث تقویت کنترل‌های داخلی و افزایش نظارت بیرونی می‌شود. شواهد تجربی، از جمله پژوهش‌های جیانگ و همکاران (۲۰۲۴)، هدایت و زوهروه (۲۰۲۳)، یون و همکاران (۲۰۲۱)، الغرباوی و العدوی (۲۰۲۵) و بارانی بره بی‌چاست و همکاران (۱۴۰۲) این رابطه منفی را تأیید کرده‌اند. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: عملکرد پایداری تاثیر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

اهرم مالی، با افزایش استفاده از بدهی، از طریق ایجاد سپر مالیاتی بار مالیاتی شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین، اهرم مالی با افزایش نظارت اعتباردهندگان، انگیزه مدیران برای استفاده از مدیریت سود با هدف اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. این رابطه منفی با یافته‌های الشطارات (۲۰۲۴) همسو است که نشان داد افزایش بدهی، رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را محدود می‌کند. ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که شرکت‌های با اهرم بالا، به دلیل نظارت اعتباردهندگان، تمایل کمتری به اجتناب مالیاتی تهاجمی دارند. این نظارت می‌تواند مدیران را از انجام اقدامات پرریسک همزمان (هم مدیریت سود و هم اجتناب مالیاتی تهاجمی) بازدارد. هوانگ و همکاران (۲۰۲۴) معتقدند وجوه بدهی و محدودیت‌های قراردادی بدهی می‌توانند نقش کنترل‌کننده بر مدیریت ایفا نمایند این یافته نشان می‌دهد که بستنکاران با نظارت خود می‌توانند رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت را کاهش دهند. بر این اساس، اهرم مالی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده، می‌تواند رابطه مثبت بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی را تضعیف کند. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه سوم: اهرم مالی رابطه مثبت بین مدیریت سود و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

شرکت‌هایی که به اصول پایداری پایبند هستند، به دلیل تعهد به شفافیت و مسئولیت‌پذیری، تمایل کمتری به اجتناب مالیاتی دارند (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۴). اهرم مالی می‌تواند با افزایش نظارت اعتباردهندگان، رفتارهای مالیاتی پرریسک را محدود کند (الشطارات، ۲۰۲۴). هم‌افزایی بین نظارت ناشی از اهرم مالی و شفافیت اطلاعاتی حاصل از عملکرد پایداری می‌تواند فرصت‌های اجتناب مالیاتی را کاهش دهد. بنابراین، انتظار می‌رود اهرم مالی اثر بازدارنده عملکرد پایداری بر اجتناب مالیاتی را تقویت کند. بر این اساس، فرضیه چهارم پژوهش به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه چهارم: اهرم مالی اثر بازدارنده عملکرد پایداری بر اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش، از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و گزارش‌های منتشره در سایت کدال^۱ بهره گرفته شده است. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار اکسل ساختاردهی و آماده‌سازی شده‌اند و در نهایت تحلیل‌های آماری و آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار استاتا^۲ انجام شده است. قلمرو زمانی این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ است. از میان این شرکت‌ها، شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها اسفند ماه نیست، شرکت‌های واسطه‌گری مالی (از جمله بانک‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری) و شرکت‌هایی که اطلاعات آنها ناقص بوده، حذف شده است. در نهایت، نمونه پژوهش شامل ۹۲ شرکت واجد شرایط در هر سال و مجموعاً ۱۰۱۲ سال - شرکت است.

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش از مدل (۱) استفاده شده است:

$$TA_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 EM_{i,t} + \alpha_2 ESG_{i,t} + \alpha_3 Controls_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی (TA)

در این پژوهش از تفاوت مالیاتی - حسابداری (BTD) به‌عنوان شاخصی برای سنجش اجتناب مالیاتی استفاده شده است. BTD نشان‌دهنده اختلاف بین سود دفتری محاسبه‌شده توسط شرکت برای اهداف حسابداری (مالیات ابرازی) و سود نهایی است که مبنای محاسبه مالیات قرار می‌گیرد (مالیات تشخیصی). به عبارت دیگر، این معیار تفاوت بین سود حسابداری قبل از مالیات و سود مشمول مالیات را اندازه‌گیری می‌کند و به دلیل مقایسه شهودی این دو، امکان شناسایی تمایل به اجتناب مالیاتی را فراهم می‌کند (الغرباوی و العدوی، ۲۰۲۵؛ یون و همکاران، ۲۰۲۱). انتخاب BTD نسبت به معیارهای رایج مبتنی بر نرخ مالیات نقدی (Cash ETR) بر اساس مزایای ذاتی آن است. BTD به طور خاص بر تصمیمات مدیریتی که موجب ایجاد تفاوت بین سود گزارش‌شده بر اساس GAAP و سود مشمول مالیات می‌شود، تمرکز دارد. این شاخص به دلیل ماهیت تجمعی‌اش، پایداری بیشتری را نسبت به نوسانات کوتاه‌مدت نرخ مالیات نقدی نشان می‌دهد و بدین ترتیب، اختلال کمتری در تخمین تمایل واقعی شرکت به اجتناب مالیاتی ایجاد می‌کند (هانلون و هیدزمن، ۲۰۱۰). سود مشمول مالیات از تقسیم هزینه مالیات جاری بر نرخ مالیاتی اسمی محاسبه می‌شود. همچنین به منظور همگن‌سازی و تسهیل مقایسه میان شرکت‌ها

¹ Codal

² Stata

با اندازه‌های متفاوت، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۴).

$$\text{رابطه (۱)} \quad \text{BT D} = \frac{\left(\frac{\text{هزینه مالیات}}{\text{نرخ قانونی مالیات شرکت های بورسی}} - \text{سود قبل از کسر مالیات} \right)}{\text{جمع کل دارایی ها}}$$

مقدار بالاتر این شاخص نشان‌دهنده تلاش شرکت برای کاهش سود مشمول مالیات و در نتیجه اجتناب مالیاتی بیشتر است.

متغیرهای مستقل:

۱- **مدیریت سود:** مدیریت سود، به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل جهت بررسی تأثیر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، با بهره‌گیری از دو رویکرد مبتنی بر اقلام تعهدی و اقلام واقعی مورد سنجش قرار گرفته است.

الف) مدیریت سود تعهدی: برای سنجش مدیریت سود تعهدی از مدل تعدیل‌شده جونز که توسط دچو و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده، استفاده شده است. بر همین اساس ابتدا طبق رابطه (۲) اقلام تعهدی کل به‌صورت تفاضل میان سود خالص و جریانه‌های نقدی حاصل از عملیات برای هر شرکت در سال مورد بررسی محاسبه شده، سپس جهت برآورد اقلام تعهدی غیراختیاری، ابتدا ضرایب مدل رگرسیونی شماره (۲) به‌صورت مقطعی در سطح هر سال برازش شد و پارامترهای مدل در هر مقطع زمانی بر مبنای داده‌های همان سال برآورد و ذخیره گردید. در ادامه، با اتکا به ضرایب برآوردشده، مقدار اقلام تعهدی غیراختیاری برای هر مشاهده از طریق رابطه (۳) محاسبه شده است. در نهایت، بر اساس رابطه (۴) اقلام تعهدی اختیاری از تفاضل بین اقلام تعهدی کل و اقلام تعهدی غیراختیاری^۱ به‌دست آمده و به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری سطح مدیریت سود تعهدی شرکت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

$$\text{رابطه (۲)} \quad \text{TAC}_{i,t} = \text{NI}_{i,t} - \text{CFO}_{i,t}$$

$$\text{مدل (۲)} \quad \frac{\text{TA}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{\text{A}_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta \text{REV}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\text{PPE}_{i,t}}{\text{A}_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

^۱ Non-discretionary Accruals

$$NDA_{i,t} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$DA_{i,t} = \left(\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) - NDA_{i,t} \quad \text{رابطه (۴)}$$

در روابط و مدل‌های فوق:

$TAC_{i,t}$: اقلام تعهدی کل شرکت i در سال t , $NI_{i,t}$: سود خالص شرکت i در سال t , $CFO_{i,t}$: جریان نقدی حاصل از عملیات برای شرکت i در سال t , $TA_{i,t}$: اقلام تعهدی کل شرکت i در سال t , $A_{i,t-1}$: جمع کل دارایی‌های شرکت i در ابتدای سال t , $\Delta REV_{i,t}$: تغییرات درآمد فروش شرکت به نسبت سال قبل, $PPE_{i,t}$: دارایی‌های ثابت مشهود شرکت i در سال t , $\Delta REC_{i,t}$: تغییرات حساب‌های دریافتنی شرکت به نسبت سال قبل, $NDA_{i,t}$: اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت i در سال t , $DA_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری شرکت i در سال t .

ب) مدیریت سود واقعی: به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از شاخص جریانهای نقدی عملیاتی غیرعادی^۱ بهره گرفته شده است که از طریق برازش مدل رگرسیونی مبتنی بر مدل رویچودری (۲۰۰۶) و محاسبه انحراف جریانهای نقدی عملیاتی از سطح مورد انتظار به دست آمده است. بر این اساس باقیمانده مدل (۳) به عنوان معیاری برای سنجش سطح انحراف مذکور تلقی شده که بیانگر میزان مدیریت سود واقعی در شرکت‌هاست.

$$\frac{CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

۲- عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG)

برای محاسبه هر یک از شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، گزارش‌های هیئت‌مدیره به مجمع، صورت‌های مالی، گزارش تفسیری مدیریت، یادداشت‌های توضیحی، گزارش کمیته حسابرسی و گزارش حسابرس مستقل در سامانه کدال تحلیل محتوا شده است. و امتیاز نهایی عملکرد پایداری از تلفیق امتیازات سه بعد مذکور محاسبه شده است. برای تعیین امتیاز هر یک از این ابعاد، از چک لیست رتبه‌بندی شاخص KLD^۲ که توسط فخاری و همکاران بومی سازی شده است، استفاده شده که جزئیات آن در جدول ۱ ارائه گردیده است. در این چک لیست، شاخص‌ها در دو گروه «نقاط قوت» و «نقاط ضعف» طبقه‌بندی شده است. در بعد

^۱ Abnormal Operating Cash Flows

^۲ Kinder, Lydenberg, Domini

زیست محیطی، تمامی شاخص‌ها به صورت دو وجهی ارزیابی می‌شوند؛ به طوری که در صورت وجود افشای اطلاعات مرتبط، مقدار ۱ و در صورت عدم افشا، مقدار ۰ اختصاص می‌یابد. امتیاز نهایی این بُعد از تفاضل مجموع امتیازات نقاط قوت و نقاط ضعف به دست می‌آید. در ابعاد اجتماعی و حاکمیتی نیز از رویکردی مشابه بهره گرفته شده است، با این تفاوت که برخی از شاخص‌ها در قالب مقادیر نسبی بین صفر و یک ارزیابی شده‌اند. در این بابت، ابتدا داده‌های مربوط به شاخص‌ها با استفاده از تکنیک بی‌مقیاس‌سازی فازی^۱ نرمال‌سازی شده و سپس از طریق روش ارزیابی وزن دار^۲، امتیاز نهایی هر بُعد محاسبه گردیده است. نرمال‌سازی فازی فرآیندی است برای اینکه داده‌های خام با مقیاس‌های متفاوت به مقادیری قابل مقایسه در بازه فازی صفر و یک تبدیل شوند. در نهایت، امتیاز ترکیبی ESG بر اساس مدل ارائه شده توسط فخاری و همکاران (۱۳۹۶) محاسبه شده است؛ به طوری که ضرایب وزنی اختصاص یافته به هر یک از ابعاد سه گانه به ترتیب برابر با ۰/۳۸۸ برای بُعد زیست محیطی، ۰/۲۷۵ برای بُعد اجتماعی، و ۰/۳۷۷ برای بُعد حاکمیتی در نظر گرفته شده‌اند

جدول ۱. معیارهای اندازه‌گیری رکن افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

نقاط ضعف	نقاط قوت	افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی
۱. فضولات خطرناک (شرکت جز ۵ صنعت اول در ایجاد فضولات پر خطر باشد. شیمیایی و نفت، چرم و نساجی، استخراج و تولید فلزات اساسی، کاغذ و چاپ و رنگ، شوینده و تمیز کننده). ۲. مسائل قانونی (پرداخت جرائم برای مسائل و مشکلات زیست محیطی که شرکت تولید کرده). ۳. مواد شیمیایی نازک کننده لایه اوزون (شرکت جزو تولیدکنندگان مواد شیمیایی از بین برنده لایه اوزون باشد). ۴. مواد شیمیایی کشاورزی (شرکت تولیدکننده مواد شیمیایی کشاورزی است، یعنی آفت کش‌ها یا کود شیمیایی و یا تولید مواد اولیه آنها). ۵. تغییرات آب و هوایی (شرکت باعث تغییرات اقلیمی و آب و هوا شود. شرکت درآمد قابل توجهی از فروش زغال سنگ یا نفت و محصولات مشتق شده آن به دست می‌آورد یا درآمد قابل توجهی را به طور غیرمستقیم از احتراق زغال سنگ یا نفت و محصولات تولیدی به دست می‌آورد).	۱. محصولات و خدمات سودمند (ساخت محصول مطابق با محیط زیست و کارا در مصرف انرژی). ۲. جلوگیری از آلودگی (شرکت دارای برنامه‌های پیشگیری از آلودگی شدید، از جمله کاهش میزان انتشار و برنامه‌های کاهش سموم است). ۳. بازیافت (شرکت از مواد بازیافتی به عنوان مواد خام در فرایندهای تولید استفاده می‌کند و یا عامل اصلی در صنعت بازیافت است). ۴. انرژی پاک (شرکت اقدامات قابل توجهی را برای کاهش تأثیر بر تغییرات آب و هوایی و آلودگی هوا از طریق استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و سوخت پاک یا از طریق بهره‌وری و صرفه جویی در انرژی انجام داده است). ۵. دریافت جایزه و لوح تقدیر در زمینه محیط زیست. ۶. اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (شرکت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات خود را با عملکرد محیطی بالا برای صنعت خود حفظ می‌کند). ۷. سیستم‌های مدیریتی (دریافت گواهی Iso ۱۴۰۰۱ ۲۸۰۰۱ ۵۰۰۱ برای سیستم‌های مدیریتی شرکت).	رکن زیست محیطی

^۱ Fuzzy Normalization Technique

^۲ Weighted Factor Rating

۱. اثرات منفی اقتصادی (شرکت‌هایی که دچار مسائل حقوق آب، زمین، دفع ضایعات یا مسائل دیگری که اثرگذار بر زندگی، مالیات یا ارزش دارایی جامعه باشد). ۲. مشکلات مالیاتی (پرونده مالیاتی در هیئت حل اختلاف مالیاتی باشد). ۳. مشکلات دادگاهی (دعای مربوط به کارکنان و بیمه و ...).	۱. امور خیریه داخل کشور یا خارج کشور (در صورتی که شرکت بخشی از سود خالص قبل از کسر مالیات را به امور خیریه اختصاص دهد). ۲. اجرای برنامه‌های نواورانه (اختصاص بودجه کمک به شرکت‌های غیرانتفاعی و بقیه شرکت‌ها در شرایط نامناسب اقتصادی). ۳. برنامه حمایت از مسکن (برنامه‌های حمایتی مسکن در سطح شرکت و ملی). ۴. برنامه حمایت از تحصیل (شرکت برنامه حمایتی برای تحصیل ابتدایی و راهنمایی و تحصیلات عالی داشته باشد، یا برنامه‌ای برای آموزش شغل جوانان برگزار کند). ۵. برنامه حمایت از ورزش (شرکت برنامه حمایتی برای ورزش در سطح شرکت، استانی و ملی داشته باشد). ۶. نسبت مدیران اجرایی زن (شرکت از مدیران اجرایی خانم استفاده می‌کند). ۷. نسبت تعداد کارکنان شرکت نسبت به فروش خالص. ۸. منافع شغلی/ زندگی (منافع خارج از شرکت برای کودکان، سالمندان یا اوقات فراغت). ۹. نسبت کارمندان خانم به تعداد کل کارکنان شرکت. ۱۰. نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به فروش خالص شرکت. ۱۱. حضور زن در هیئت مدیره.	رکن اجتماعی
۱. موظف بودن رئیس هیئت مدیره. ۲. غیرموظف بودن مدیرعامل. ۳. نگرانی‌های حسابداری (شرکت دارای اظهارنظر حسابرسی غیرمقبول باشد). ۴. نسبت معامله با اشخاص وابسته به فروش خالص شرکت.	۱. نسبت تخصص مالی اعضای هیئت مدیره. ۲. نسبت استقلال اعضای هیئت مدیره. ۳. نسبت استقلال کمیته حسابرسی. ۴. تعداد جلسات هیئت مدیره. ۵. پاداش (در صورتی که شرکت پاداش یا حق جلسه حضور در جلسات هیئت مدیره در سال مالی به مدیران ارشد پرداخت کرده باشد و در صورت‌های مالی افشا شده باشد). ۶. درصد سهام‌داران عمده شرکت. ۷. نسبت دوره تصدی متوالی رئیس هیئت مدیره. ۸. نسبت دوره تصدی متوالی مدیرعامل. ۹. نسبت دوره تصدی متوالی حسابرسی. ۱۰. اندازه هیئت مدیره.	رکن حاکمیتی

منبع: انجی و رضایی (۲۰۱۵)؛ فخاری و همکاران (۱۳۹۶) و ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۴)

متغیرهای کنترلی نیز عبارتند از: اندازه شرکت (SIZE) و سن شرکت (AGE) که به ترتیب با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها و لگاریتم تعداد سال‌های فعالیت شرکت اندازه‌گیری شده است. بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) از نسبت سود خالص به مجموع حقوق صاحبان سهام به دست آمده است. نسبت شدت موجودی‌ها (INVINT) به صورت نسبت موجودی مواد و کالا به کل دارایی‌ها و نسبت دارایی به درآمد (AIN) از طریق تقسیم فروش خالص بر میانگین کل دارایی‌ها محاسبه شده است. همچنین، رشد شرکت (GROWTH) بر پایه درصد تغییرات فروش نسبت به سال گذشته سنجیده شده است.

برای آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش به ترتیب از مدل‌های ۴ و ۵ استفاده شده است:

$$TA_{i,t} = \alpha + \alpha_1 EM_{i,t} + \alpha_2 LEV_{i,t} + \alpha_3 (EM_{i,t} \times LEV_{i,t}) + controls_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

$$TA_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 ESG_{i,t} + \alpha_2 LEV_{i,t} + \alpha_3 (ESG_{i,t} \times LEV_{i,t}) + controls_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

در این مدل‌ها اهرم مالی (LEV) که از طریق نسبت بدهی‌ها بر دارایی‌ها محاسبه و به عنوان متغیر تعدیلگر وارد مدل شده است. سایر متغیرهای کنترلی‌های این دو مدل مشابه مدل اول هستند.

۵- یافته‌های پژوهش

در جدول (۲) آمار توصیفی داده‌های متغیرهای پژوهش ارائه شده است:

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نماد متغیرها	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات	BTD	۰/۰۹۸۵	۰/۰۶۴۰	-۰/۰۹۱۴	۰/۴۷۷۱	۰/۱۱۰۷
عملکرد زیست محیطی، اجتماعی، حاکمیتی	ESG	۲/۴۲۷۶	۲/۴۸۰۰	۰/۰۳۰۰	۴/۶۳۰۰	۱/۰۳۷۱
مدیریت سود تعهدی	AEM	۰/۰۷۲۹	۰/۰۳۷۷	-۰/۳۹۶۹	۰/۸۳۶۸	۰/۲۱۴۸
مدیریت سود واقعی	REM	۰/۰۰۰۶	-۰/۲۹۱۰	-۰/۴۳۹۹	۰/۶۹۴۸	۰/۲۰۰۹
اهرم مالی	LEV	۰/۵۳۹۳	۰/۵۴۵۱	۰/۰۹۰۲	۱/۱۲۶۹	۰/۲۲۲۳
اندازه شرکت	SIZE	۱۵/۵۷۶۸	۱۵/۳۷۹۹	۱۲/۱۷۹۲	۲۰/۴۸۰۱	۱/۷۳۵۷
سن شرکت	AGE	۳/۶۳۸۸	۳/۷۶۱۲	۲/۳۹۷۹	۴/۲۱۹۵	۰/۴۲۱۹
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰/۳۵۷۲	۰/۳۸۰۲	-۱/۱۲۹۵	۱/۳۲۲۶	۰/۳۱۴۴
گردش دارایی‌ها	ATR	۱/۱۳۳۴	۰/۹۲۵۵	۰/۱۸۹۱	۴/۶۱۵۴	۰/۷۵۳۱
شدت موجودی	INVINT	۰/۲۲۸۶	۰/۲۰۵۰	۰/۰۰۱۹	۰/۷۰۵۳	۰/۱۴۴۳

جدول (۲) نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی، میانگین اختلاف میان سود حسابداری و سود مشمول مالیات حدود ۱۰ درصد از دارایی‌ها است. این میزان بخشی از سود حسابداری را نشان می‌دهد که در تعیین سود مشمول مالیات در نظر گرفته نشده و می‌تواند بیانگر استفاده شرکت‌ها از روش‌های اجتناب مالیاتی باشد. امتیاز عملکرد پایداری به‌طور میانگین ۲/۴ گزارش شده است که حاکی از عملکرد مثبت شرکت‌ها و توجه آنها به رعایت و افشای معیارهای مربوطه است. همچنین نتایج حاکی از آن است که شرکت‌ها برای تعدیل سود، به‌طور میانگین معادل ۷ درصد دارایی‌های ابتدای دوره از اقلام تعهدی اختیاری استفاده کرده‌اند. شاخص مدیریت سود واقعی به‌طور میانگین حدود ۰/۰۶ درصد از دارایی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد که رقمی ناچیز است؛ با این حال، انحراف معیار نسبتاً بالا و دامنه گسترده تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که برخی شرکت‌ها با بهره‌گیری از فعالیت‌های عملیاتی غیرعادی، سود گزارش شده را به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر قرار داده‌اند. میانگین اهرم مالی نشان می‌دهد که شرکت‌ها ۵۴٪ از منابع مالی خود را از طریق بدهی‌های دارای بهره تأمین کرده‌اند. میانگین لگاریتم دارایی‌های شرکت‌ها در نمونه مورد بررسی برابر با ۱۵/۶ بوده و سن شرکت‌ها با لگاریتم طبیعی حدود ۳/۶ نشان‌دهنده سابقه‌ای حدوداً ۴۰ ساله فعالیت برای شرکت‌های نمونه است. همچنین شرکت‌ها به‌طور متوسط ۳۶ درصد حقوق مالکانه خود کسب سود کرده‌اند. نسبت گردش دارایی‌ها نشان می‌دهد شرکت‌ها به‌طور متوسط در هر دوره توانسته‌اند ۱۳ درصد بیشتر از میانگین دارایی‌های خود، درآمد عملیاتی ایجاد کنند و نزدیک به یک‌چهارم از کل دارایی شرکت‌ها به‌صورت موجودی مواد و کالا نگهداری می‌شود.

آزمون‌های تشخیصی و مفروضات کلاسیک رگرسیون

در ادامه نتایج آزمون‌های تشخیصی بروش-پاگان در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون بروش-پاگان و هاسمن

مدل	آزمون	معناداری آزمون	نتیجه آزمون
مدل (۱)	بروش-پاگان	۰/۰۰۰	الگوی اثرات تصادفی بر تلفیقی
مدل (۲)	بروش-پاگان	۰/۰۰۰	الگوی اثرات تصادفی بر تلفیقی
مدل (۳)	بروش-پاگان	۰/۰۰۰	الگوی اثرات تصادفی بر تلفیقی

با توجه به معناداری هر سه آماره، الگوی اثرات تصادفی بر تلفیقی ارجحیت دارد. بنابراین آزمون هاسمن انجام شده است که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴. نتایج آزمون بروش-پاگان و هاسمن

مدل	آزمون	معناداری آزمون	نتیجه آزمون
مدل (۱)	هاسمن	۰/۸۳۸۴	ارجحیت الگوی اثرات تصادفی
مدل (۲)	هاسمن	۰/۹۵۱۱	ارجحیت الگوی اثرات تصادفی
مدل (۳)	هاسمن	۰/۸۷۱۴	ارجحیت الگوی اثرات تصادفی

با توجه به اینکه در آزمون، H_0 را بر عدم سیستماتیک بودن تفاوت ضرایب و سازگار بودن مدل اثرات تصادفی قرار دادیم. و با نظر به اینکه در هر سه آماره فرض صفر رد نشده است؛ بنابراین در هر سه مدل؛ الگوی اثرات تصادفی برای برآورد انتخاب شد.

برای بررسی فروض کلاسیک از آزمون‌های والد تعدیل شده (جهت بررسی ناهمسانی واریانس) و آزمون ولدریج (جهت بررسی عدم خودهمبستگی سریالی) استفاده شد. در جدول (۵) نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و آزمون عدم خودهمبستگی ارائه و نتایج آزمون عدم هم‌خطی در جدول مربوط به برازش نهایی مدل ارائه شده است:

جدول ۵. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و آزمون عدم خودهمبستگی

مدل	آزمون	معناداری آزمون	نتیجه آزمون
مدل (۱)	واریانس ناهمسانی	۰/۰۰۰	وجود واریانس ناهمسانی
مدل (۲)	واریانس ناهمسانی	۰/۰۰۰	وجود واریانس ناهمسانی
مدل (۳)	واریانس ناهمسانی	۰/۰۰۰	وجود واریانس ناهمسانی
مدل (۱)	خودهمبستگی سریالی	۰/۱۳۰۰	عدم خودهمبستگی سریالی
مدل (۲)	خودهمبستگی سریالی	۰/۱۸۳۱	عدم خودهمبستگی سریالی
مدل (۳)	خودهمبستگی سریالی	۰/۰۳۰۸	وجود خودهمبستگی سریالی

نتایج ارائه شده در جدول ۵ نشان می‌دهد همه مدل‌ها دچار واریانس ناهمسانی است با توجه به نتایج آزمون‌های تشخیصی انجام شده در این پژوهش، وجود ناهمسانی واریانس و نیز خودهمبستگی سریالی خطای مدل‌ها تأیید شد. از این رو، به‌منظور اطمینان از اعتبار آزمون‌ها و معناداری ضرایب، استنباط آماری در این پژوهش بر پایه‌ی تعدیل نرم‌افزاری از نوع HAC انجام شده است. در همین راستا، از برآوردگر دریسکول-کرای استفاده شد که تعمیمی از رویکرد پرایس-وینستن بوده و می‌تواند خطای استاندارد از نوع نیوی-وست را با در نظر گرفتن مشکلات مذکور ارائه نماید؛ بدین ترتیب، ماتریس واریانس-کوواریانس به‌گونه‌ای برآورد می‌شود که نسبت به ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی سریالی مقاوم باشد. در ادامه جدول (۶) ضرایب همبستگی خطی میان متغیرهای پژوهش را ارائه می‌دهد.

جدول ۶. ماتریس همبستگی

متغیرها	BTD	ESG	AEM	REM	LEV	SIZE	AGE	ROE	ATR	INVINT
BTD	۱/۰۰۰									
ESG	۰/۰۹۵	۱/۰۰۰								
AEM	۰/۳۱۲	۰/۰۶۲	۱/۰۰۰							
REM	۰/۳۷۵	۰/۲۲۸	-۰/۲۵۷	۱/۰۰۰						
LEV	-۰/۵۲۶	-۰/۰۶۰	-۰/۳۴۹	-۰/۳۱۶	۱/۰۰۰					
SIZE	۰/۲۶۱	۰/۲۳۷	۰/۰۸۱	۰/۰۱۷	-۰/۰۶۲	۱/۰۰۰				
AGE	۰/۰۴۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۳۳	-۰/۱۴۴	۰/۰۵۲	-۰/۰۱۷	۱/۰۰۰			
ROE	۰/۵۳۳	۰/۲۸۶	۰/۲۵۴	۰/۳۷۷	-۰/۲۰۱	۰/۱۱۸	-۰/۰۵۰	۱/۰۰۰		
ATR	۰/۰۹۵	-۰/۰۳۶	-۰/۰۴۳	-۰/۰۰۱	۰/۱۳۲	۰/۰۹۳	۰/۰۱۵	۰/۱۶۳	۱/۰۰۰	
INVINT	۰/۰۴۹	-۰/۰۲۸	۰/۰۶۱	-۰/۰۱۸	۰/۰۹۹	-۰/۰۹۱	۰/۱۴۱	۰/۱۴۳	۰/۲۷۱	۱/۰۰۰

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی (با سنجه BTD) در سطح خطای ۱ درصد؛ با عملکرد ESG (۰/۰۹۵)، با مدیریت سود تعهدی (۰/۳۱۲)، با مدیریت سود واقعی (۰/۳۷۵)، با اندازه شرکت (۰/۲۶۱)، با بازده حقوق صاحبان سهام (۰/۵۳۳) همبستگی مثبت و معنادار؛ با اهرم (۰/۵۲۶) همبستگی منفی و معنادار دارد. همچنین با نرخ گردش دارایی‌ها در سطح ۱ درصد همبستگی مثبت (۰/۰۹۵) و معناداری دارد.

برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول (۷) نتایج برازش مدل ۱ را در راستای آزمون فرضیه ۱ و ۲ پژوهش گزارش می‌کند. در تخمین مدل اثرات خاص سال‌ها و صنایع کنترل شده و برای تصحیح خطای استاندارد ضرایب از برآوردگر ناپارامتریک دریسکول و کرای (۱۹۹۸) استفاده شده است. معناداری آماره F مؤید برازش مناسب مدل و ضریب تعیین حاکی از تبیین حدود ۶۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی مدل است. با توجه به این‌که سطح معناداری آماره t برای هر دو متغیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی برابر با ۰/۰۰۱ به‌دست آمده است، نتایج نشان می‌دهد که هر دو نوع مدیریت سود با اجتناب مالیاتی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارند. این یافته ضمن تأیید فرضیه اول پژوهش، بیانگر آن است که مدیران از هر دو نوع مدیریت

سود برای تحقق اهداف اجتناب مالیاتی بهره می‌برند. همچنین، ضریب منفی متغیر ESG و سطح معناداری آماره t آن که ۰/۰۱۳ است نشان می‌دهد که بین عملکرد پایداری و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که در حوزه پایداری عملکرد مطلوب‌تری دارند، تمایل کمتری به مشارکت در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی از خود نشان می‌دهند. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش نیز رد نمی‌شود. در خصوص متغیرهای کنترلی، اهرم، اندازه شرکت، سن شرکت، بازده حقوق صاحبان سهام، نرخ گردش دارایی‌ها و شدت موجودی تاثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارند.

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
ESG	-۰/۰۵۸	۰/۰۱۹	-۳/۰۹۰	۰/۰۱۳	۲/۸۵
AEM	۰/۱۵۴	۰/۰۳۰	۵/۱۸۰	۰/۰۰۱	۲/۴۱
REM	۰/۱۵۹	۰/۰۳۰	۵/۲۲۰	۰/۰۰۱	۲/۱۹
LEV	-۰/۱۷۶	۰/۰۵۲	-۳/۳۹۰	۰/۰۰۸	۱/۷۰
SIZE	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	۲/۷۲۰	۰/۰۲۴	۱/۲۱
AGE	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۱/۷۰۰	۰/۱۲۳	۱/۱۹
ROE	۰/۱۳۹	۰/۰۲۳	۶/۱۲۰	۰/۰۰۰	۱/۱۹
ATR	۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	۱/۵۶۰	۰/۱۵۴	۱/۱۵
INVINT	۰/۰۸۱	۰/۰۲۰	۳/۹۵۰	۰/۰۰۳	۱/۰۸
C	-۰/۱۰۱	۰/۰۴۰	-۲/۵۳۰	۰/۰۳۲	
آماره F (معناداری)	۱۱۹۳۴/۰۳ (۰/۰۰۰)				
ضریب تعیین	۰/۶۹۲۲				

جدول (۸) نتایج برازش مدل ۴ را در راستای آزمون فرضیه سوم پژوهش گزارش می‌کند. در این مدل، متغیرهای تعاملی $LEV*REM$ و $LEV*AEM$ به منظور بررسی نقش تعدیلی اهرم مالی وارد شده است. در تخمین مدل اثرات خاص سال‌ها و صنایع کنترل شده است، همچنین مانند سایر مدل‌های پژوهش، تخمین با بهره‌گیری از داده‌های پانلی و کنترل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی انجام شده است.

بر اساس یافته‌ها، ضریب برآورد شده برای اهرم مالی برابر با ۰/۰۵۹- بوده و نشان می‌دهد افزایش اهرم با کاهش اجتناب مالیاتی در ارتباط است. همچنین ضریب منفی ۰/۲۸۳ برای متغیر تعاملی $LEV*AEM$ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ضریب منفی ۰/۱۷۵ برای متغیر تعاملی $LEV*REM$ با سطح معناداری ۰/۰۱۹ گزارش شده است؛ این امر نشان می‌دهد که اهرم مالی اثر مثبت مدیریت سود بر اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند. به بیان دقیق‌تر، در شرکت‌هایی با سطح بدهی بالاتر، مدیران تمایل کمتری به مدیریت سود در راستای اجتناب مالیاتی از خود نشان می‌دهند که می‌تواند ناشی از افزایش نظارت اعتباردهندگان و کاهش انعطاف‌پذیری مدیریتی باشد. این نتایج ضمن عدم رد فرضیه سوم، با دیدگاه‌های نظری مرتبط با نقش محدودکنندگی و نظارتی بدهی مطابقت دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
AEM	۰/۲۷۸	۰/۰۴۰	۶/۸۹۰	۰/۰۰۰	۲/۸۳
LEV	-۰/۰۵۹	۰/۰۲۲	-۲/۷۰۰	۰/۰۲۴	۲/۴۵
LEV*AEM	-۰/۲۸۳	۰/۰۵۴	-۵/۲۵۰	۰/۰۰۱	۲/۱۷
REM	۰/۲۱۵	۰/۰۲۴	۸/۸۸۰	۰/۰۰۰	۱/۸۰
LEV*REM	-۰/۱۷۵	۰/۰۶۱	-۲/۸۴۰	۰/۰۱۹	۲/۱۲
SIZE	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۱/۹۸۰	۰/۰۷۹	۱/۲۱
AGE	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۱/۲۳۰	۰/۲۴۹	۱/۱۹
ROE	۰/۱۵۸	۰/۰۲۷	۵/۹۲۰	۰/۰۰۰	۱/۴۱
ATR	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	۰/۲۶۰	۰/۸۰۳	۱/۱۸
INVINT	۰/۰۸۸	۰/۰۲۰	۴/۳۲۰	۰/۰۰۲	۱/۱۲
C	-۰/۰۷۰	۰/۰۵۲	-۱/۳۵۰	۰/۲۰۹	
آماره F (معناداری)					۶۹۹/۳۷(۰/۰۰۰)
ضریب تعیین					۰/۶۸۲۹

جدول (۹) نیز نتایج برازش مدل (۵) را جهت آزمون فرضیه چهارم گزارش می‌کند. در تخمین این مدل اثرات خاص سال‌ها و صنایع کنترل شده است. یافته‌ها ضریب متغیر تعاملی $LEV*ESG$ را (۰/۴۰۷-) و معناداری آن را ۰/۰۰۱ گزارش کرده است؛ این نتیجه یعنی افزایش سطح اهرم مالی موجب تشدید اثر منفی عملکرد پایداری بر اجتناب مالیاتی می‌شود. به بیان دیگر، در شرکت‌هایی با ساختار سرمایه متکی به بدهی، اثر بازدارنده پایداری در برابر رفتارهای مالیاتی تهاجمی تقویت می‌شود.

جدول ۹. نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	t آماره	سطح معناداری	VIF
ESG	۰/۱۹۲	۰/۰۵۱	۳/۷۹۰	۰/۰۰۴	۲/۸۱
LEV	-۰/۱۶۱	۰/۰۵۷	-۲/۸۴۰	۰/۰۱۹	۲/۴۳
LEV*ESG	-۰/۴۰۷	۰/۰۸۳	-۴/۸۸۰	۰/۰۰۱	۲/۲۲
SIZE	۰/۰۱۵	۰/۰۰۵	۳/۰۴۰	۰/۰۱۴	۱/۸۵
AGE	۰/۰۱۴	۰/۰۰۵	۲/۸۵۰	۰/۰۱۹	۲/۰۶
ROE	۰/۲۴۱	۰/۰۲۶	۹/۱۳۰	۰/۰۰۰	۱/۳۱
ATR	۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۰/۳۱۰	۰/۷۶۷	۱/۱۷
INVINT	۰/۰۶۴	۰/۰۳۰	۲/۱۵۰	۰/۰۶۰	۱/۱۸
C	-۰/۲۴۲	۰/۰۷۴	-۳/۲۵۰	۰/۰۱۰	
آماره F (معناداری)					۱۳۸۵/۹۹(۰/۰۰۰)
ضریب تعیین					۰/۶۶۵۷

۶- بحث و نتیجه‌گیری

مالیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت‌ها، نقش اساسی در تأمین بودجه عمومی و تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و توسعه پایدار ایفا می‌کند. در ایران، با وجود تلاش‌های انجام‌شده برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، سهم درآمدهای مالیاتی از کل منابع مالی کشور همچنان پایین‌تر از سطح مطلوب قرار دارد. در چنین شرایطی، شناسایی عوامل مؤثر بر رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مدیریت سود و عملکرد پایداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین تحلیل نقش تعدیل‌کننده اهرم مالی در این روابط است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مدیران در شرکت‌های مورد مطالعه، برای کاهش بار مالیاتی، از هر دو شیوه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی بهره گرفته‌اند. این نتایج تأییدکننده فرضیه اول پژوهش و همسو با مطالعات پیشین از جمله لوکوت‌کاپراس و همکاران (۲۰۲۴)، سانچز-بالستا و یاگوی (۲۰۲۱)، مارکز و همکاران (۲۰۱۱) و کارجالاین و همکاران (۲۰۲۳) است. همچنین، همخوانی نتایج با شواهد موجود در بستر اقتصادی ایران که در مطالعات پورحیدری و شفیعی‌همت‌آباد (۱۳۹۲) و بندریان و همکاران (۱۳۹۵) مورد بررسی قرار گرفته، تأییدی است بر آن که اجتناب مالیاتی یکی از انگیزه‌های اصلی برای اعمال مدیریت سود در شرکت‌هاست و نشان می‌دهد که مدیران از سازوکارهای مختلف مدیریت سود به عنوان راهبردی برای حداقل‌سازی پرداخت‌های مالیاتی بهره می‌گیرند که می‌تواند با هدف حفظ منابع مالی در شرکت و افزایش ارزش سهامداران انجام شود. هر چند که این رفتار ممکن است به نفع سهامداران تفسیر شود، اما در صورتی که کنترل‌های نهادی و سازوکارهای نظارتی ضعیف باشند، می‌تواند به فرصت‌طلبی مدیریتی نیز منجر شود. با وجود این که چنین رفتاری در کوتاه‌مدت ممکن است منافع مالی برای شرکت به همراه داشته باشد، اما از منظر کلان می‌تواند آثار نامطلوبی بر نظام مالیاتی کشور به دنبال داشته باشد. از این رو، یافته‌های پژوهش ضرورت توجه نهادهای نظارتی و سیاست‌گذاران به طراحی سازوکارهای مؤثر برای کنترل و نظارت بر اینگونه رفتارها را برجسته می‌سازد تا تعادل مناسبی بین منافع شرکت‌ها و تأمین درآمدهای مالیاتی دولت حفظ شود.

تأیید فرضیه دوم از چند جنبه قابل تفسیر است. بر اساس نظریه مشروعیت، شرکت‌هایی که در حوزه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی عملکرد قوی‌تری دارند، به دلیل تعهد عمیق‌تر نسبت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نگرانی از حفظ شهرت و اعتبار خود، از اقداماتی که ممکن است از سوی جامعه به‌عنوان رفتار غیرمسئولانه تلقی شود اجتناب می‌کنند. با استناد به نظریه ذنفعان، این شرکت‌ها درک بهتری از تعادل منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع داشته و پرداخت مالیات را به‌عنوان تعهدی اساسی نسبت به دولت و جامعه تلقی می‌کنند که با اصول بنیادین مسئولیت‌پذیری شرکتی آنها هم‌راستا است. از سوی دیگر با اشاره به نظریه نمایندگی می‌توان استدلال کرد، شرکت‌های دارای عملکرد قوی در حوزه پایداری معمولاً ساختارهای حاکمیتی مؤثرتر، شفافیت اطلاعاتی بالاتر و نظارت داخلی بهتری دارند که منجر به کاهش تضاد منافع میان مدیران و مالکان و در نتیجه محدودسازی رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ای

نظیر اجتناب مالیاتی می‌شود. در عمل، این شرکت‌ها با اتخاذ رویکردی بلندمدت در خلق ارزش، از منافع کوتاه‌مدت ناشی از اجتناب مالیاتی صرف‌نظر می‌کنند، چرا که آن را در تضاد با اهداف پایدار و پرمخاطره برای شهرت و اعتماد ذینفعان خود ارزیابی می‌کنند. این یافته با ادبیات پیشین نظیر پژوهش‌های جیانگ و همکاران (۲۰۲۴)، هدایت و زوهروه (۲۰۲۳)، یون و همکاران (۲۰۲۱) و الغرباوی و العدوی (۲۰۲۵) همسو است.

در راستای تایید فرضیه سوم و چهارم، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اهرم مالی می‌تواند به عنوان یک سازوکار محدودکننده در برابر رفتارهای مالیاتی تهاجمی ایفای نقش کند. این رابطه منفی از دو جهت قابل تبیین است: نخست، شرکت‌های با اهرم بالا از مزایای قانونی سپر مالیاتی بهره می‌برند و بخشی از هزینه‌های مالیاتی خود را از این مسیر کاهش می‌دهند، در نتیجه نیاز کمتری به اجتناب مالیاتی دارند. دوم، سطح بالای بدهی منجر به نظارت شدیدتر اعتباردهندگان و محدودیت‌های قراردادی می‌شود که امکان اجرای رفتارهای پرریسک مالیاتی را برای مدیریت کاهش می‌دهد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که اهرم مالی اثر مثبت هر دو نوع مدیریت سود، یعنی مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی، بر اجتناب مالیاتی را تعدیل و تضعیف می‌کند؛ به بیان دقیق‌تر، در شرکت‌هایی با سطح بدهی بالاتر، مدیران تمایل کمتری به استفاده از مدیریت سود به منظور کاهش بار مالیاتی نشان می‌دهند. این امر احتمالاً ناشی از افزایش فشارهای مالی و نظارت‌های بیرونی ناشی از تعهدات بدهی است که محدودیت‌های قابل توجهی را بر انعطاف‌پذیری تصمیم‌گیری مدیریتی ایجاد می‌کند و امکان رفتارهای فرصت‌طلبانه در قالب مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی با سطح بالای اهرم مالی، عملکرد مطلوب در حوزه ESG با شدت بیشتری به کاهش رفتارهای اجتناب مالیاتی منجر می‌شود. این رابطه را می‌توان ناشی از همزمانی الزامات نظارتی ناشی از بدهی و سازوکارهای پاسخ‌گویی مرتبط با پایداری دانست. همانطور که بیان شد عملکرد مطلوب پایداریاز طریق سازوکارهای مربوطه، انگیزه مدیریت را برای اتخاذ تصمیمات پرریسک در حوزه مالیات کاهش می‌دهد. در عین حال، شرکت‌هایی با ساختار سرمایه متکی بر بدهی، معمولاً تحت نظارت شدیدتر تأمین کنندگان مالی و اعتباردهندگان قرار دارند؛ نظارتی که می‌تواند با تحمیل انضباط مالی، فضای اجتناب مالیاتی را محدود کند. به عبارت دیگر، همزمانی الزامات بیرونی ناشی از بدهی و کنترل‌های ناشی از تعهدات پایداری، موجب شکل‌گیری یک سازوکار کنترلی مضاعف می‌شود که تمایل شرکت به مشارکت در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را بیش از پیش کاهش می‌دهد. بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که اهرم مالی در تعامل با عملکرد پایداری، در تقویت انضباط مالی و محدودسازی رفتارهای فرصت‌طلبانه، نقش مکمل ایفا می‌کند. این یافته‌ها تأکید می‌کند که ساختار سرمایه و سطح بدهی نقش مهمی در تنظیم رفتارهای مدیریتی و سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها ایفا می‌کند و ضروری می‌نماید که به عنوان متغیری کلیدی در مطالعات آتی در نظر گرفته شود.

محدودیت‌های پژوهش حاضر عمدتاً در نحوه اندازه‌گیری متغیرهای آن نهفته است. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده از شاخص تفاوت مالیات ابرازی و قطعی (BTD) به عنوان معیار اجتناب مالیاتی است. اگرچه این شاخص در پژوهش‌های بین‌المللی کاربرد گسترده‌ای دارد، اما در محیط اقتصادی ایران، ساختار

خاص معافیت‌های مالیاتی، نرخ‌های متفاوت مالیاتی در صنایع مختلف، و همچنین جرایم و بخشودگی‌های مرتبط با مالیات ممکن است بر دقت این شاخص تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، بخشی از تفاوت بین مالیات ابرازی و قطعی می‌تواند ناشی از اعمال معافیت‌های قانونی یا توافقات نهایی با سازمان امور مالیاتی باشد و صرفاً بازتاب‌دهنده رفتارهای اجتناب مالیاتی نیست. با وجود این محدودیت، انتخاب این شاخص در پژوهش حاضر به دلیل دسترسی‌پذیری داده‌ها، قابلیت مقایسه با پژوهش‌های پیشین و مزایای آن نسبت به سایر روش‌ها که در بخش تعریف عملیاتی اجتناب مالیاتی به آن اشاره شد، انجام شده است. با این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی از شاخص‌های ترکیبی در محاسبه اجتناب مالیاتی استفاده نمایند. همچنین، شاخص عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) مستقیماً از گزارش‌های تفسیری، گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی استخراج گردیده است. این روش جمع‌آوری داده‌ها، اگرچه تلاش می‌کند تا داده‌های بومی و کیفی مرتبط با بستر اقتصادی ایران را منعکس کند، اما ذاتاً در معرض سوگیری نمونه‌برداری دستی و تفسیرپذیری بالا قرار دارد. پژوهش حاضر بر روی نمونه‌ای از شرکت‌های خاص (شرکت‌های مورد مطالعه) در بستر اقتصادی ایران انجام شده است. از آنجا که محیط‌های نهادی، قوانین مالیاتی، و ساختارهای حاکمیت شرکتی در کشورهای مختلف تفاوت‌های اساسی دارند، یافته‌های به دست آمده ممکن است به طور کامل قابل تعمیم به شرکت‌هایی در بازارهای توسعه‌یافته یا دیگر اقتصادهای نوظهور نباشند. به طور خاص، نحوه تعامل انگیزه‌های اجتناب مالیاتی با سیستم‌های نظارتی متفاوت می‌تواند نتایج را تغییر دهد. در راستای توسعه دانش آتی، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران این رویکرد را با یکی از دو استراتژی زیر تکمیل نمایند: اول بررسی در نمونه‌های خاص‌تر، تحلیل اثرات متغیرهای مورد مطالعه بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی با ساختارهای مالکیت متمایز، به ویژه شرکت‌های با مالکیت دولتی و شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی برجسته هستند، می‌تواند بینش‌های جدیدی در مورد تأثیر نهادی ارائه دهد. و دوم مقایسه شاخص‌های اندازه‌گیری، بسط شواهد تجربی با مقایسه روش‌های اندازه‌گیری مدیریت سود، از جمله بررسی تأثیر تغییر طبقه‌بندی اقلام در صورت سود و زیان بر اجتناب مالیاتی، می‌تواند به اعتبارسنجی نتایج به دست آمده از مدل‌های مدیریت سود تعهدی و واقعی کمک شایانی نماید.

۷- تقدیر، تشکر و ملاحظه‌های اخلاقی

نویسندگان پژوهش حاضر از کلیه افرادی که از نظرات مشورتی و ارائه اصلاحات لازم، با پژوهشگران همکاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی را دارند.

فهرست منابع

- آقای، محمدعلی؛ رضازاده، جواد و آلان، بهروز. (۱۳۹۹). بررسی رابطه‌ی بین عملکرد زیست محیطی و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت، حسابداری و اقتصاد، سال چهارم، شماره ۳، صص ۸۶ تا ۹۵.
- ابراهیمی، سیدکاظم و احمدی مقدم، منصور. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین مدیریت مالیاتی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی، سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۷۷-۹۴.
- اسکندری، علیرضا و درستان، سمیه. (۱۴۰۱). تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، سال پنجم، شماره ۶۸، صص ۱۰۸-۱۲۵.
- بارانی بره بی چاست، میلاد و براتی، مهدی. (۱۴۰۲). تأثیر عملکرد پایدار اجتماعی بر اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، سال ششم، شماره ۸۲، صص ۱۳۶-۱۴۸.
- بندریان، امیرعلی؛ واعظ، سیدعلی؛ مقصودی، فرامرز. (۱۳۹۵)، تأثیر حسابداری محافظه‌کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه، حسابداری و منافع اجتماعی، سال ششم، شماره ۴، صص ۲۳-۴۰.
- پورحیدری، امید و شفیعی‌همت‌آباد، حمیده. (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکتهای بر مدیریت سود: مورد مطالعه اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال دوم، شماره ۱، صص ۲۵-۴۴.
- حساس یگانه، یحیی؛ بولو، قاسم و رضائی، شهرزاد. (۱۳۹۸). الگویی برای تأثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- ختن‌لو، محسن؛ کاظمی علوم، مهدی و مرادی بهجت، یاسمن. (۱۴۰۴)، بررسی تأثیر تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر افشای اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی: نقش تعدیلی ویژگی‌های کمیته حسابرسی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال بیست و دوم، شماره ۸۸، صص ۱۰۱-۱۴۲.

رضایی، فرزین؛ کردستانی، غلامرضا؛ شهری، محسن. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها، پژوهشنامه مالیات، سال بیست و دوم، شماره ۲۴، صص ۱۷۵-۲۰۰.

رضائی‌پیتونه‌نوئی، یاسر؛ غلامرضا پور، محمد؛ کاظمی، سید پوریا؛ امیرنیا، نرجس. (۱۴۰۰)، بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی: آزمون نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی و نمایندگی، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۴۵-۶۶.

ستایش، محمدحسین و ابراهیمی، فهیمه. (۱۴۰۰)، رابطه جانشینی میزان استفاده از اهرم مالی در ساختار سرمایه و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۵۳-۷۲.

شفاعت، احمدرضا؛ کاشانی‌پور، محمد؛ غلامی جمرانی، رضا؛ جهانگیرنیا، حسین. (۱۴۰۰)، تأثیر متغیر تیپ شخصیتی مدیران بر مدیریت سود و نقش تعدیلی آن در رابطه بین مدیریت سود با افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت. حسابداری ارزشی و رفتاری، سال ششم، شماره ۱۲، ۳۴۳-۳۰۸.

صدیقی، روح‌الله. (۱۳۹۹)، کیفیت حسابرس، مدیریت سود و اجتناب مالیاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۶۹-۱۸۶.

عزیزی، صدیقه و جوکار، حسین. (۱۴۰۰)، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نقش تعدیلی اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی با استفاده از معادلات ساختاری، حسابداری و منافع اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۱۲۳-۱۵۶.

فخاری، حسین؛ ملکیان، اسفندیار؛ جفایی‌رهنی، منیر. (۱۳۹۶)، تبیین و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله‌مراتبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۸۷.

قادرزاده، کریم و علوی، سیدمصطفی. (۱۴۰۰)، اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی، دانش حسابداری، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۲۸.

قرنجیک، آرزو و گرکز، منصور. (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال هجدهم، شماره ۷۰، صص ۱۹۳-۱۷۵.

مهرگان، علی؛ گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی؛ مهرگان، نادر. (۱۴۰۱)، نقش مالیات‌ها بر تشبیت چرخه‌های تجاری ایران، تحقیقات اقتصادی، سال پنجاه و هفتم، شماره ۲، صص ۳۵۹-۳۹۰.

-
- Abid, S., and S. Dammak. 2022. Corporate social responsibility and tax avoidance: The case of French companies. *Journal of Financial Reporting and Accounting* 20 (3/4): 618–638.
- Aljifri, K., and T. Elrazaz. 2024. Effect of earnings management on earnings quality and sustainability: Evidence from Gulf Cooperation Council distressed and non-distressed companies. *Journal of Risk and Financial Management* 17 (8): 348.
- Al-Shattarat, B. 2024. The influence of leverage on accrual-based and real earnings management: Evidence from the UK. *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review* 27 (2): 239–248.
- Amarna, K., M. V. López-Pérez, R. Garde Sánchez, and L. Rodríguez Ariza. 2025. ESG information disclosure and its relationship to tax practices: Stakeholder-friendly or legitimacy-seeking? *Sustainable Development* 33 (3): 3906–3917.
- Asimakopoulos, P., S. Asimakopoulos, and X. Li. 2024. The combined effects of economic policy uncertainty and environmental, social, and governance ratings on leverage. *The European Journal of Finance* 30 (7): 673–695.
- Awuye, I. S., and F. Aubert. 2022. The impact of leverage on earnings management and the trade-off between discretionary accruals and real earnings management. *Journal of Accounting and Taxation* 14 (1): 89–101.
- Bui, T. H. 2024. Past, present, and future of earnings management research. *Cogent Business & Management* 11 (1): 2300517.
- Delgado, F. J., E. Fernández-Rodríguez, R. García-Fernández, M. Landajo, and A. Martínez-Arias. 2023. Tax avoidance and earnings management: A neural network approach for the largest European economies. *Financial Innovation* 9 (1): 19.
- Delgado, F. J., Fernández-Rodríguez, E., García-Fernández, R., Landajo, M., & Martínez-Arias, A. (2023). Tax avoidance and earnings management: a neural network approach for the largest European economies. *Financial Innovation*, 9(1), 19.
- Deng, K., Y. Zhu, T. Smith, and A. McCrystal. 2020. Tax and leverage: Evidence from China. *China Economic Review* 62: 101479.
- Desai, M. A., and D. Dharmapala. 2006. Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics* 79 (1): 145–179.

- Desai, M. A., and D. Dharmapala. 2009. Earnings management, corporate tax shelters, and book-tax alignment. *National Tax Journal* 62 (1): 169–186.
- Dowling, J., and J. Pfeffer. 1975. Organizational legitimacy: Social values and organizational behavior. *Pacific Sociological Review* 18 (1): 122–136.
- Driscoll, J. C., and A. C. Kraay. 1998. Consistent covariance matrix estimation with spatially dependent panel data. *Review of Economics and Statistics* 80 (4): 549–560.
- Elamer, A. A., M. Boulhaga, and B. A. Ibrahim. 2024. Corporate tax avoidance and firm value: The moderating role of environmental, social, and governance (ESG) ratings. *Business Strategy and the Environment* 33 (5): 4093–4110.
- Elgharbawy, A., and L. M. A. Aladwey. 2025. ESG performance, board diversity and tax avoidance: Empirical evidence from the UK. *Journal of Financial Reporting and Accounting* 23 (1): 106–127.
- Falbo, T. D., & Firmansyah, A. 2021. Penghindaran Pajak di Indonesia: Multinationality dan Manajemen Laba. *Jurnal Bisnis Net* 4(1): 1–20.
- Faulkender, M., and J. M. Smith. 2016. Taxes and leverage at multinational corporations. *Journal of Financial Economics* 122 (1): 1–20.
- Freeman, R. E. 1984. *Strategic management: A stakeholder approach*. Boston, MA: Pitman.
- Gu, Y., and S. Wang. 2023. Corporate environmental information disclosure and tax avoidance: Evidence from China. *Heliyon* 9 (11): e21860.
- Gulzar, M. A., J. Cherian, M. S. Sial, A. Badulescu, P. A. Thu, D. Badulescu, and N. V. Khuong. 2018. Does corporate social responsibility influence corporate tax avoidance of Chinese listed companies? *Sustainability* 10 (12): 4549.
- Hanlon, C. M., & Heitzman, S. A. (2010). A review of tax avoidance research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127–160.
- Hasan, A., W. Anwar, M. K. Zahir-Ul-Hassan, and A. Ahmed. 2024. Corporate governance and tax avoidance: Evidence from an emerging market. *Applied Economics* 56 (22): 2688–2704.

-
- Healy, P. M., and J. M. Wahlen. 1999. A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons* 13 (4): 365–383.
- Hendayana, Y., M. Arief Ramdhany, A. S. Pranowo, R. Abdul Halim Rachmat, and E. Herdiana. 2024. Exploring impact of profitability, leverage and capital intensity on avoidance of tax, moderated by size of firm in LQ45 companies. *Cogent Business & Management* 11 (1): 2371062.
- Hidayat, K., and D. Zuhroh. 2023. The impact of environmental, social and governance, sustainable financial performance, ownership structure, and composition of company directors on tax avoidance: Evidence from Indonesia. *International Journal of Energy Economics and Policy* 13 (6): 311–320.
- Hoang, K. M. T., and T. A. Phung. 2019. The effect of financial leverage on real and accrual-based earnings management in Vietnamese firms. *Economics & Sociology* 12 (4): 299–333.
- Hoang, K. M. T., and T. A. Phung. 2019. The effect of financial leverage on real and accrual-based earnings management in Vietnamese firms. *Economics & Sociology* 12 (4): 299–333.
- Hoi, C. K., Q. Wu, and H. Zhang. 2013. Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review* 88 (6): 2025–2059.
- Hossain, M. S., M. S. Ali, M. Z. Islam, C. C. Ling, and C. Y. Fung. 2024. Nexus between profitability, firm size and leverage and tax avoidance: Evidence from an emerging economy. *Asian Review of Accounting* 32 (5): 759–780.
- Huang, Y., Chen, L., & Liu, F. H. (2024). Bank intervention and firms' earnings management: evidence from debt covenant violations. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 63(1), 237-264.
- Jensen, M. C., and W. H. Meckling. 1976. Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics* 3 (4): 305–360.
- Jiang, H., W. Hu, and P. Jiang. 2024. Does ESG performance affect corporate tax avoidance? Evidence from China. *Finance Research Letters* 61: 105056.

- Jiraporn, P., G. A. Miller, S. S. Yoon, and Y. S. Kim. 2008. Is earnings management opportunistic or beneficial?. *International Review of Financial Analysis* 17 (3): 622–634.
- Karjalainen, J., E. Kasanen, J. Kinnunen, and J. Niskanen. 2023. Dividends and tax avoidance as drivers of earnings management: Evidence from dividend-paying private SMEs in Finland. *Journal of Small Business Management* 61 (2): 906–937.
- Kovermann, J., and P. Velte. 2019. The impact of corporate governance on corporate tax avoidance—A literature review. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 36: 100270.
- Laguir, I., R. Staglianò, and J. Elbaz. 2015. Does corporate social responsibility affect corporate tax aggressiveness? *Journal of Cleaner Production* 107: 662–675.
- Lanis, R., and G. Richardson. 2015. Is corporate social responsibility performance associated with tax avoidance? *Journal of Business Ethics* 127: 439–457.
- Lee, H. A. 2024. Exploring the relationship between environmental, social, and governance and tax avoidance strategies. *SAGE Open* 14 (4): 21582440241298089.
- Li, T. T., K. Wang, T. Sueyoshi, and D. D. Wang. 2021. ESG: Research progress and future prospects. *Sustainability* 13 (21): 11663.
- Lucut Capras, I., M. V. Achim, and E. R. Mara. 2024. Is tax avoidance one of the purposes of financial data manipulation? The case of Romania. *The Journal of Risk Finance* 25 (4): 588–601.
- Mao, C. W. 2019. Effect of corporate social responsibility on corporate tax avoidance: Evidence from a matching approach. *Quality & Quantity* 53 (1): 49–67.
- Marques, M., L. L. Rodrigues, and R. Craig. 2011. Earnings management induced by tax planning: The case of Portuguese private firms. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 20 (2): 83–96.
- Marwat, J., S. K. O. Rajput, S. A. Dakhan, S. Kumari, and M. Ilyas. 2021. Tax avoidance as earning game player in emerging economies: Evidence from Pakistan. *South Asian Journal of Business Studies* 12 (2): 186–201.
- Modigliani, F., and M. H. Miller. 1963. Corporate income taxes and the cost of capital: A correction. *The American Economic Review* 53 (3): 433–443.

- Ng, A. C., and Z. Rezaee. 2015. Business sustainability performance and cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance* 34: 128–149.
- Oats, L., and P. Tuck. 2019. Corporate tax avoidance: Is tax transparency the solution? *Accounting and Business Research* 49 (5): 565–583.
- Ortas, E., and I. Gallego-Álvarez. 2020. Bridging the gap between corporate social responsibility performance and tax aggressiveness: The moderating role of national culture. *Accounting, Auditing & Accountability Journal* 33 (4): 825–855.
- Owusu, G. M. Y., P. Acquah, and R. A. Bekoe. 2023. Earnings management and tax avoidance research: A 30-year retrospective analysis. *SN Business & Economics* 3 (9): 163.
- Park, S. 2017. Corporate social responsibility and tax avoidance: Evidence from Korean firms. *Journal of Applied Business Research* 33 (6): 1149–1168.
- Parvin, R., Sohel Rana, M., & Shams, S. 2020. Literature Review on The Association Between Earnings Management and Corporate Social Responsibility. *International Journal of Accounting & Finance Review* 5(1): 22–31.
- Richardson, G., Taylor, G., & Lanis, R. (2015). The impact of financial distress on corporate tax avoidance spanning the global financial crisis: Evidence from Australia. *Economic Modelling*, 44, 44-53.
- Roychowdhury, S. 2006. Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics* 42 (3): 335–370.
- Sánchez-Ballesta, J. P., and J. Yagüe. 2021. Financial reporting incentives, earnings management, and tax avoidance in SMEs. *Journal of Business Finance & Accounting* 48 (7–8): 1404–1433.
- Sastroedjo, P. E., M. Ausloos, and P. Khrennikova. 2025. Environmental performance, financial constraints, and tax avoidance practices: Insights from FTSE All-Share companies. *Entropy* 27 (1): 89.
- Shan, M., and J. Zhu. 2024. Do ESG ratings inhibit corporate leverage manipulation? The moderating effects of internal and external

- supervision. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal* 15 (4): 979–1004.
- Sikka, P. 2013. Smoke and mirrors: Corporate social responsibility and tax avoidance—A reply to Hasseldine and Morris. *Accounting Forum* 37 (1): 15–28.
- Souguir, Z., N. Lassoued, I. Khanchel, and H. Bouzgarrou. 2024. Environmental performance and corporate tax avoidance: Greenwashing policy or eco-responsibility? The moderating role of ownership structure. *Journal of Cleaner Production* 434: 140152.
- Stolowy, H., and G. Breton. 2004. Accounts manipulation: A literature review and proposed conceptual framework. *Review of Accounting and Finance* 3 (1): 5–92.
- Tulcanaza-Prieto, A. B., Y. Lee, and J. H. Koo. 2020. Effect of leverage on real earnings management: Evidence from Korea. *Sustainability* 12 (6): 2232.
- Watts, R. L., and J. L. Zimmerman. 1990. Positive accounting theory: A ten year perspective. *The Accounting Review* 65 (1): 131–156.
- Yoon, B., J.-H. Lee, and J.-H. Cho. 2021. The effect of ESG performance on tax avoidance—Evidence from Korea. *Sustainability* 13 (12): 6729.
- Zeng, T. 2019. Relationship between corporate social responsibility and tax avoidance: International evidence. *Social Responsibility Journal* 15 (2): 244–257.
- Zhu, T., D. Liu, and L. Zhang. 2025. Does ESG performance help corporate deleveraging? Based on an analysis of excessive corporate debt. *Sustainability* 17 (3): 1274.

